



پژوهش نامه اسلامی حقوق

سالنامه تخصصی

سال پنجم / شماره هشتم / سال ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

انجمن علمی - پژوهشی حقوق

مدیر مسئول: سید امیر رضا طاهایی

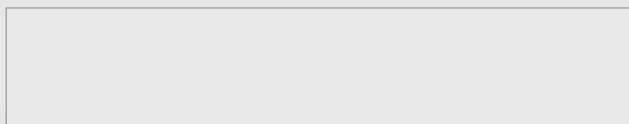
سرمدیر: تقوی کنانی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: هدی بنکدار

ویراستار: زهرا شفیعی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)



صفحه بندی: ساجده تدریس حسنی

نشریه علمی - تخصصی پژوهش نامه اسلامی حقوق در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۳۱ به شماره ثبت ۸۶۸۹۶

مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرد.

نشانی دفتر مجله: پردیسان، ابتدای بلوار امامت، بعد از دانشگاه پیام نور، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

کدپستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۱۸۰

شیوه نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست آورد علمی نگارنده بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه دوفصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۵. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۶. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه ای) و با قلم Bbadr شماره ۱۴ در محیط word حروف چینی شده باشد.
۷. چکیده لاتین مقالات حتما ارسال شود.
۸. کلیه مقالات فقط از طریق سامانه ارسال شود.
۹. مشخصات نویسندگان مقالات به طور کامل (به صورت زیر) در مقاله درج شود:
۱۰. نام و نام خانوادگی، سطح و رشته تحصیلی، رتبه علمی (استاد/ دانشیار/ استادیار/ مربی)، وابستگی سازمانی، موبایل، ایمیل شخصی.
۱۱. مشخصات کلیه نویسندگان به طور کامل در بخش نویسندگان در پورتال درج شود.
۱۲. فایل مقالات (هم فایل word و هم فایل pdf و هم فایل ضمائم) بدون نام نویسنده یا نویسندگان باشد.
۱۳. نویسنده مسئول مقاله مشخص شود.
۱۴. استناددهی درون متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.
۱۵. مقالات با موضوعات جدید و مبتلابه در اولویت بررسی و داوری قرار دارند.
۱۶. مقالاتی به داوری ارسال خواهد شد که در بررسی اولیه امتیاز لازم جهت ارسال به داوری را کسب نمایند.
۱۷. موارد مورد توجه در بررسی اولیه: هماهنگ بودن موضوع مقاله با رویکرد و هدف نشریه، روش پژوهش، کیفیت نظری مقاله، نو و بدیع بودن موضوع.



رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می شود؛
۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی شود.

۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد / شماره صفحه)

- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)
تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، نام خانوادگی نویسنده دوم،، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).
تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، و دیگران، سال انتشار)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد / شماره صفحه)
تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

ج) ارجاع به منابع اینترنتی

نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت

د) ارجاع به پایان نامه و رساله

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)

تنظیم فهرست منابع

الف) کتاب:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، نام کتاب، نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود.

• نام نویسنده (شرکتی) (سال انتشار)، نام کتاب (نوبت چاپ)، نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

ب) مقاله:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان مقاله، عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

مقاله درج شده در مجموعه مقالات:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان مقاله، عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

ج) پایان نامه یا رساله:

نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان رساله، رشته و رتبه، دانشگاه.

د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:

عنوان کتاب (نوبت چاپ) (سال انتشار)، محل انتشار: انتشاراتی.

و) منابع اینترنتی:

عنوان نویسنده، عنوان مقاله، سال درج مقاله در سایت، آدرس سایت، تاریخ مشاهده سایت.

فهرست مقالات

- چالش‌های نقض حقوق کودک در افغانستان / زهرا توکلی، رسول آقایی ۹
- بررسی تطبیقی جرم مطلق در ایران و جرم مطلق در افغانستان / مرضیه نیازی، عاطفه حسن‌زاده ۲۵
- حق آموزش و تربیت کودکان در قوانین ایران با تأکید بر قانون اساسی / فاطمه سادات حسینی، زهرا زندیه ۴۷
- تأثیر دین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه با تأکید بر قوانین جنگ در اسلام / زهرا کنانی، زهرا رضایی آهوانویی ۵۹
- جرم‌انگاری اقدامات مخل امنیت خانواده / مرضیه محمودی، انسیه سلیمی ۷۳
- حقوق معنوی نادیده گرفته شده زنان در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار / محدثه رضایی، تقوی کنانی ۸۷

چالش های نقض حقوق کودک در افغانستان

زهراتو کلی^۱، رسول آقایی^۲

چکیده

کودکان نیز مانند بزرگسالان، کرامت انسانی دارند و از حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند. اساس شخصیت هر انسان در دوران کودکی تشکیل می شود، پس اهمیت این دوره بر کسی پوشیده نیست. در این دوره بیشتر از هر زمان دیگری کودک که قشر آینده ساز و آسیب پذیر جامعه است نیاز به راهنمایی، کمک و حمایت همه جانبه خانواده، مدرسه و جامعه دارد. در کشور افغانستان علاوه بر تلاش های بین المللی در عرصه داخلی نیز از کودکان حمایت می شود و حتی قانونی بانام قانون حمایت از طفل در این کشور تصویب شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، حقوق کودکان را در قوانین افغانستان و کنوانسیون حقوق کودک بررسی می کند. هدف از پژوهش حاضر، ارائه علل و عوامل نقض حقوق کودک، بزه دیدگی کودک و بررسی قوانین افغانستان درباره نقض حقوق کودک است.

واژگان کلیدی: افغانستان، خشونت، حمایت تقنینی، حق، حقوق.

۱. مقدمه

افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند سرمایه و منابع انسانی آن جامعه هستند. پیشرفت یک جامعه علاوه بر منابع مناسب مالی، رابطه تنگاتنگی با کیفیت منابع موجود انسانی آن

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد معارف و حقوق جزا و جرم شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

دارد که در این زمینه کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. کودک که قشر آسیب‌پذیر جامعه است در دوران طفولیت قادر به حفظ، نگهداری و دفاع از حقوق خودش نیست. کودک در این دوران نیازمند مراقبت و توجه ویژه است و چون بیش از دیگران در معرض خطر است مانند سایر اقشار جامعه حق زندگی عادلانه و سالم دارد. این همان حقی است که در کنوانسیون حقوق کودک از آن بانام حق ذاتی و طبیعی کودک یاد می‌شود. کودکان بزه‌دیده عبارتند از: کودکانی که حقوق آنها مورد حمله، آسیب، تعرض و دخالت قرار گرفته است که خود کودک توان دفاع از منافع شخصی یا جان خود را نداشته است. کودک بزه‌دیده کودکی است که به دنبال اتفاق افتادن یک جرم به آسیب بدنی، روحی، روانی، درد و رنج عاطفی یا آسیب اساسی به حقوق خود دچار می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. حق

یکی از مفاهیم اساسی و مهم در نظام‌های حقوقی معاصر، نهاد حق است. حق در لغت به معنی تفویض، ضد و خلاف باطل است. (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹) برخی از واژه‌شناسان، حق را به حقیقت، راست، درست و صحیح معنا کرده‌اند (قیم، ۱۳۹۳، ص ۷۵۹). در اصطلاح علم حقوق از حق تعاریف مختلفی ارائه شده است. این تعدد تعاریف ناشی از اختلاف نظر درباره مبنا و منشأ آن است. برخی حق را چنین تعریف کرده‌اند: «حق عبارتند از: اعتبارات شرعی یا عقلایی که براساس آن، امتیاز یا توانایی خاصی برای شخص یا اشخاصی در نظر گرفته می‌شود و به مقتضای این توانایی، دارنده حق می‌تواند تصرفی کند یا بهره‌مند شود یا مالی یا کاری را از کسی درخواست کند» (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۶۳). برخی دیگر می‌گویند: «حق، قدرت و سلطه ارادی است که به موجب آن شخص در حدود قانون بر اعمال دیگران مسلط می‌شود» (ابراهیم منصور، ۱۹۹۹، ص ۲۰۹). برخی دیگر در تعریف حق گفته‌اند: «حق عبارت است از: قدرت، سلطه و امتیاز شخص معین بر شیء یا شخص دیگر که قانون

آن را اعطا یا به رسمیت می‌شناسد» (رسولی، ۱۳۹۳، ص ۲۵). برخی دیگر گفته‌اند: «حق عبارت است از: سلطه و اختیاری که در جامعه معینی برای یک انسان در برابر انسان‌های دیگر یا برای یک انسان در برابر اشیاء به رسمیت شناخته می‌شود. حق انسان در برابر انسان‌های دیگر مثل حق طلبکار در برابر بدهکار، حق زن و شوهر در برابر یکدیگر، حق انسان در برابر اشیاء مثل حق مالک در برابر خانه‌ای که آن را خریده است» (موحد، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

۲-۲. حقوق

حقوق، مجموع مقررات حاکم بر روابط اجتماعی است. حقوق در این معنی، مجموعه باید‌ها و نباید‌هایی است که اعضای جامعه ملزم به رعایت آن می‌باشند و دولت ضمانت اجرای آنها را برعهده دارد. انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیازمند یک سلسله قواعد و مقررات لازم‌الاجراست که روابط اشخاص را تنظیم و تبیین می‌کند. مجموع این قواعد و مقررات اجتماعی که ضمانت اجرای دولتی نیز دارند را حقوق می‌نامند. (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ص ۶)

۲-۳. دانش حقوق

براساس این معنی، حقوق رشته‌ای است از دانش اجتماعی که به تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات الزام‌آور اجتماعی، چگونگی پیدایش وضع و تفسیر و استنباط و سیر تحول آنها می‌پردازد. (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ص ۶)

۲-۴. جمع حق

یکی از معانی و مفاهیمی که از شنیدن واژه حقوق به ذهن متبادر می‌شود جمع حق است. در هر نظام حقوقی برای تأمین سعادت اجتماعی و فردی انسان و برای جلوگیری از هرگونه تجاوز و تعارض، امتیازات و قدرت‌های قانونی مشخصی اعتبار می‌شود که به هریک از آنها در اصطلاح، حق و مجموع آنها را حقوق می‌نامند. (دانش پژوه، ۱۳۹۳، ص ۶)

۲-۵. کودک

کلمه طفل در لغت به معنای کودک و نوزاد و جمع آن، اطفال است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۵۶۰) از نظر حقوق، کودک یا طفل کسی است که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده و نمی تواند به طور مستقل زندگی و منافع خود را در جامعه حفظ کند (امامی، ۱۳۴۱، ص ۱۹۷). کنوانسیون حقوق کودک، طفل را چنین تعریف می کند: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر هجده سال است مگر اینکه براساس قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ماده ۱). از نظر قوانین افغانستان تعریف کنوانسیون حقوق کودک، جامع و کامل تشخیص داده شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در مورد تعریف حقوق کودک چنین می گوید: «طفل شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد» (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ۱۳۸۲، ماده ۴ بند ۱). قانون جزای افغانستان نیز تکمیل سن هجده سالگی را شرط مجازات کامل کودک قرار داده است (قانون جزا، ۱۳۵۵، ماده ۷۲).

۲-۶. حق حیات

یکی از مهمترین حقوق کودک، حق حیات است. ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک می گوید: کشورهای طرف کنوانسیون، حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت می شناسند، کشورهای طرف کنوانسیون، ایجاد بیشترین امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین می کنند. قانون گذار کشور افغانستان نیز این حق را در ماده ۲۳ قانون اساسی لحاظ کرده است: «زندگی موهبتی الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخصی بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی شود». ماده ۱۳ قانون حمایت از طفل چنین مقرر می دارد: «طفلی که زنده متولد می شود از حق طبیعی حیات به عنوان موهبت الهی برخوردار است و براساس احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی مورد حمایت قرار می گیرد». در بند ۲ این ماده، وزارت خانه ها و ادارات ذیربط از دولتی و غیردولتی مکلف شده اند که برای تأمین حق حیات و رشد سالم طفل، تدابیر لازم را اتخاذ و عملی کند. این حق همچنین در ماده ۲ اعلامیه اسلامی

حقوق بشر، ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۶) تأکید شده است.

۲-۷. حق آموزش

ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک در مورد این حق بیان می‌دارد که کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول می‌دارند:

الف) اجباری و رایگان کردن تحصیل ابتدایی برای همگان؛

ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه از جمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم مانند ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم؛

ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر راه مناسب؛

د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان؛

ه) اتخاذ اقداماتی برای تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

کشورهای طرف کنوانسیون، تمام اقدامات لازم را برای تضمین اینکه نظم و انضباط در مدارس براساس حفظ شئون انسانی کودکان و براساس کنوانسیون حاضر باشد به عمل خواهند آورد.

کشورهای طرف کنوانسیون، همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش به‌ویژه در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد داشت.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶، اعلامیه جهانی حقوق کودک در اصل ۷ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ماده ۱۳ این حق را به‌طور مفصل مورد توجه قرار داده‌اند. (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ص ۱۴) این

حق از دو نظر قابل توجه است: یکی اینکه حق آموزش کودک یکی از تکالیف والدین است و آنها باید تمام تلاش خود را در این راه مبذول دارند (قانون احوال شخصیه اهل تشیع، بند ۱، ماده ۱۷۸) و دیگر اینکه وظیفه‌ای است که حکومت که متولی جامعه برای بسترسازی امکانات است باید جامعه را به نقطه‌ای برساند که هیچ کودکی از آموزش بازماند.

قانون‌گذار کشور افغانستان برای تأمین این هدف به پیروی از دستور صریح اسلام به وجوب تحصیل علم و قوانین بین‌المللی در ماده ۴۳ قانون اساسی به این موضوع تأکید کرده است: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌شود. دولت مکلف است برای تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان و تأمین تعلیمات متوسطه اجباری پروگرام‌های مؤثر وضع و تطبیق کند و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می‌کنند، فراهم کند.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۴۳) قانون حمایت از طفل نیز آموزش اطفال را به صراحت در قالب یک حق مورد پذیرش قرار داده و در ماده ۴۸ چنین بیان می‌دارد: «اطفال اعم از پسر و دختر براساس احکام قانون دارای حق مساوی بهره‌مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیه می‌باشند». این قانون در ماده ۴۸ تعلیمات متوسطه یا اساسی را در افغانستان اجباری دانسته و در بند ۲ آن به صراحت بیان می‌دارد: «تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب دوره‌های تعلیمات متوسطه ثانوی، تخنیکی، مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی برای اطفال به صورت رایگان تأمین می‌شود». در ماده ۵۰ وزارت معارف (آموزش و پرورش مکلف شده است که برای دسترسی کودکان به آموزش و پرورش تدابیر لازم را اتخاذ کند. در ماده ۵۱ تصریح شده است که هیچ شخص به شمول والدین، سرپرست و کارفرما حق ندارد که مانع آموزش کودک شود و آن را از آموزش محروم کند.

۲-۸. حق پرورش

یکی از مهمترین مسئولیت‌های پدر و مادر، تربیت فرزند است. در حقوق اسلامی به مسئله فرزند و تربیت کودکان توجه ویژه‌ای شده و یکی از مهمترین وظایف والدین، پرورش اخلاقی و فکری کودکان است. در قوانین افغانستان نیز به این مهم توجه شده است. قانون احوال شخصیه اهل تشیع در بند ماده ۱۲۳ چنین مقرر می‌دارد: «زوجین مکلفند در تحکیم اساس خانواده و تربیت اولاد با یکدیگر معاونت و همکاری کنند». در بند ۱ ماده ۱۷۸ این قانون تربیت اسلامی یکی از مصادیق حضانت دانسته شده است. قانون مدنی نیز تربیت کودک را مصداق حضانت و متصدی حضانت را مکلف به اجرای آن می‌داند. در قانون حمایت حقوق طفل نیز حق تربیت کودکان مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۲ ماده ۱۸ چنین بیان می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون به منظور تضمین و اعتلای حقوقی که در این کنوانسیون بیان شده است همکاری‌های لازم را با والدین و قیم‌های قانونی در جهت اجرای مسئولیت‌هایشان برای تربیت کودک خواهند کرد و ایجاد مؤسسات، تسهیلات و خدمات را برای نگهداری کودکان تضمین خواهند کرد» قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، بی‌تا، ماده ۱۸ بند ۲).

۳. حق حمایت در برابر انواع خشونت

در ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک آمده است: «هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد. هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و زندانی کردن یک کودک باید مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد. با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت به طوری که نیازهای خاص سن او در نظر گرفته شود. کودکان زندانی به ویژه باید از افراد بزرگسال جدا شوند مگر اینکه این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی

حق دارد با خانواده خود به وسیله نامه و ملاقات تماس بگیرد. هر کودک زندانی باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندان شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی صلاح، مستقل و بی طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد».

بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی نیز حکم اعدام را در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال غیرقابل اجرا می‌داند. قانون اساسی افغانستان در ماده ۲۹ تعذیب انسان و تعیین جزایی را که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع کرده است هرچند این مواد اشاره به کودک ندارد، اما اطلاق آن شامل کودکان نیز می‌شود.

۴. علل و عوامل بزه‌دیدگی کودکان

۴-۱. عوامل شخصیتی کودک

کودک‌آزاری یکی از پرخطرترین آسیب‌هایی است که کودک در سنین پایین آن را تجربه می‌کند. کودکان در سنین هفت-هشت سالگی به دلیل پرجنب و جوش بودن و اینکه هیچ نوع ملاحظه عقلی را نمی‌دانند بسیار مستعد کودک‌آزاری هستند. در این مقطع سنی، کودک جراحات زیادی می‌بیند. با دیدن ضرب و جرح‌های ناشی از کودک‌آزاری و مراجعه مکرر به پزشک، شخص کودک‌آزار که بیشتر از نزدیکان کودک است، کوشش می‌کند این خطرات را عادی نشان دهد یا پنهان کند. همین امر موجبات بزه‌دیدگی مجدد کودک را فراهم می‌کند. عوامل دیگری مانند فرزند اول بودن، معلولیت، عقب ماندگی ذهنی، کودکان بیش فعال، فرزندخواندگی و... در بزه‌دیدگی کودک نقش بسزایی دارند. (اسدالهی حاجی کرد، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

۴-۲. عوامل شخصیتی والدین

والدین در بزه‌دیدگی کودکان نقش مؤثری دارند. عوامل اصلی و مهم در خانواده عبارتند از: عقب ماندگی ذهنی والدین، داشتن توقعات بسیار زیاد و بالا از توان و سن کودک، عدم آگاهی از مسئولیت‌ها و تربیت درست کودک، فقر خانواده و نبود امکانات، چندهمسری و...

(اسدالهی حاجی‌کرد، ۱۳۸۰، ص ۷۶) برخی از والدین از اختلالات ذهنی رنج می‌برند و با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. این مشکلات باعث سوء تعبیر از کودکان می‌شود و در مورد آنها رفتارهای مغرضانه‌ای درپیش می‌گیرند که باعث بزه‌دیدگی خواسته یا ناخواسته کودک خود می‌شوند (باقری یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

۴-۳. عوامل اجتماعی

کودکان بزه‌دیده، بی‌دفاع‌ترین اشخاص نظام‌های سیاسی جهان می‌باشند. مجازات اعدام برای کودکان کم‌سن‌وسال، زندگی در سلول‌های جمعی زندان‌ها و حبس در محیط‌های فردی و جمعی و طولانی شدن مدت زمان بازداشت، وضعیت اسف‌باری را به وجود می‌آورد و کودکان مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. اگرچه سیستم‌های اجتماعی و خط‌مشی مؤسسات مربوط به نگهداری کودکان برای کمک در مراقبت‌گاه‌های روزانه، پژوهشگاه‌ها و سایر مکان‌هایی که سوء رفتار یا کودک‌آزاری صورت می‌گیرد، وجود دارد اما در این مؤسسات به دلیل کمبود امکانات که مهمترین آن نیروی انسانی برای ارائه خدمات به کودکان است باید امکانات روزبه‌روز بیشتر شود. (پورناجی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱) برخی از مؤسسات دولتی و غیردولتی برای حفظ منفعت مؤسسه کارهایی انجام می‌دهند که بدرفتاری با کودک محسوب شده و باعث آسیب‌پذیری و بی‌توجهی به کودکان می‌شود. برای مثال در مهدکودک‌ها و کانون‌های شبانه‌روزی نگهداری کودکان برای آرام شدن کودکان به آنها داروهای خواب‌آور یا آرام‌بخش می‌دهند یا در نظافت و تربیت به آنها بی‌توجهی می‌شود (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

۴-۴. علل زیستی

کودکان و نوجوانان مانند افراد سالمند نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. کودکان چون بیشتر در پی هیجانات جدید و تجربه بازی‌های کودکانه و جدید هستند و بازی‌های خطرناکی را انجام می‌دهند و باتوجه به وضعیت خانوادگی در شرایط نامطلوب قربانی بزه می‌شوند که برعکس سالمندان خطر بزه‌دیدگی آنها از ضعف جسمی و

اختلال در مشاعر است. از نظر جنسیت، زنان بیشتر قربانی و بزه دیده می باشند و آمار بالایی از زنان بزه دیده در گزارش ها به ثبت رسیده است. وضعیت جسمی نیز خطرها و بزه ها است. کاستی های جسمی و حالات نابرابر روانی، حالات مستی، مصرف الکل و داروهایی که مصرف مداوم آنها اعتیادآور است به مرور زمان تبدیل به اعمال تهاجمی و بزه می شود که عوامل اولیه آن ممکن است از بزه دیدگی های ناشی از ناتوانی باشد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۳۹)

۴-۵. علل روان شناختی

کودکانی که به صفات نامطلوب مشهور می شوند، سهل انگار و بی توجه می شوند و طمع و بخل، اعتماد افراطی، بدگمانی و رفتارهای محتاطانه افراطی در آنها ایجاد می شود. از طرفی، تبعیض ها در خانه و مدرسه در بین کودکان زمینه بزه دیدگی کودکان را فراهم می کند. معلولیت جسمی، اشتغال، خیابانی بودن در روان کودک اختلال ایجاد می کند و باعث برانگیخته شدن احساسات در کودکان می شود که به صورت خواسته یا ناخواسته مورد بزه دیدگی قرار می گیرند. (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱)

۵. حمایت تقنینی و افتراقی از کودکان

حقوق کیفری منعکس کننده ارزش های بنیادین یک جامعه و دفاع از افراد ضعیف و ناتوان نیز جزو ارزش های جامعه است. در سیاست جنایی تقنینی کشورها دفاع از افراد آسیب پذیر جامعه از جمله کودکان، نشان دهنده این ارزش مهم اجتماعی است. حمایت از قربانیان بزه کار و کمک به آنها باید بخشی از ارزش های اساسی جامعه باشد. تعهدات جامعه نسبت به بزه دیدگان باید در اعماق نظام کلی آن جامعه نفوذ پیدا کند. از این رو، ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه دیدگان از آنها تأمین شود اهمیت والایی دارد. اساس رویکرد جدید حقوق جزا در توجه بزه دیدگان جرایم و به ویژه بزه دیدگان آسیب پذیر حاصل مطالعات و یافته های علم جرم شناسی و شاخه جدید آن یعنی، بزه دیده شناسی است. بزه دیده شناسی یکی از شاخه های جرم شناسی کاربردی است که در آن جرم شناسان برای حل علل و عوامل بزه کاری

علاوه بر بزه‌کاران، بزه‌دیده را نیز مطالعه می‌کنند. به این صورت، حقوق کیفری با بهره‌گیری از مکانیسم و سازوکارهای جرم‌انگاری خاص درصدد رساندن این پیام است که تجاوز و تعدی به حقوق اطفال به دلیل وضعیت خاص آنها با عواقب سنگینی مواجه خواهد بود.

حقوق کیفری نه تنها به دنبال جلوگیری از کاهش تجاوزات به تمامیت جسمانی، روانی، جنسی، اجتماعی اطفال از مکانسیم فوق است، بلکه با نشان دادن توجه ویژه به اطفال در مقایسه با سایرین به دنبال ایفای نقش آموزشی-فرهنگی نیز است. با توجه به نقش نمادین حقوق جزا در بازتاب ارزش‌های بنیادین جامعه، توجه خاص و حمایت کیفری افتراقی از اطفال نشانه اهمیت و توجه به حقوق کودکان در جامعه است. به همین منظور در اسناد مختلف بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک در حمایت از کودکان و در قوانین داخلی کشورها تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا برای جلوگیری از بزه‌دیدی اطفال حمایت‌های افتراقی صورت بگیرد. در قوانین جزایی افغانستان تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق کودکان، حمایت‌های تقنینی مجزایی برای کودکان در نظر گرفته نشده بود، اما در سال‌های بعد تلاش‌های فراوانی برای ایجاد بستر برای تقنین مقرراتی افتراقی در حوزه کودکان صورت گرفته است. برخی از نتایج آن را می‌توان در قانون مجازات افغانستان که الهام گرفته از مقررات حقوق بشری و در کنوانسیون حقوق کودک است، مشاهده کرد. در این مجموعه قوانین تلاش فراوانی صورت گرفته تا حمایت‌های مناسبی از کودکان و مرتکبین خشونت علیه کودکان صورت گیرد. برای مثال در ماده ۷ و ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق طفل افغانستان، حقوق اطفال، حق ذاتی برای طفل است.

۵-۱. مجازات با خطر مواجه کردن حیات کودکان

در ماده ۶۱۶ کود جزای افغانستان آمده است: «هرکسی مباشرتاً یا معاونتاً به هر طریقی حیات کودک را دچار خطر جدی نماید، مجرم شناخته شده و مجازات تعیین شده برای آنها حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی در نظر گرفته شده است. در صورتی که این شخص یکی از اولیای قانونی کودک باشد از حالات مشدده این

جرم بوده و به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم می‌شود». (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۱۶)

۵-۲. مجازات ممانعت از تحصیل و آموزش کودکان

قانون‌گذار کودک، جزا برای افرادی که مانع تحصیل و آموزش کودکان می‌شوند را جزای نقدی و حبس تعیین کرده است. جرم‌انگاری برای بازداشتن کودکان از تحصیل و آموزش و شدت مجازات، نقش بزرگی در بازدارندگی افراد از تضییع حق تحصیل کودکان دارد. در ماده ۶۰۹ ک.ج میزان مجازات این جرم حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی تعیین شده است. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۰۹)

۵-۳. مجازات نسل‌کشی

شخص زمانی مرتکب نسل‌کشی می‌شود که یکی از اعمال ذیل را به‌طور عمدی و برای نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام دهد: قتل اعضای گروه، وارد کردن صدمه شدید جسمی یا روانی به اعضای گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن می‌شود، اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد، انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۳۳۳) مرتکب جرم نسل‌کشی مندرج در ماده ۳۳۳ این قانون به حبس دوام درجه ۲ محکوم می‌شود. هرگاه جرم نسل‌کشی مندرج فقره ۱ این ماده باعث قتل شود مرتکب به اعدام محکوم می‌شود (کود جزا، ماده ۳۳۴).

۶. مجازات لت وکوب کردن طفل

شخصی که طفل را مورد لت وکوب، تعذیب یا بدرفتاری قرار دهد، اما باعث جراحت یا معلولیت وی نشود به حبس قصیر محکوم می‌شود. هرگاه مرتکب فقره ۱ این ماده سرپرست قانونی طفل باشد به حبس متوسط تا دو سال محکوم می‌شود. (کود جزا، ماده ۶۱۲)

۷. مجازات اختطاف

در ماده ۵۹۰ کود جزای افغانستان آمده است: «هرکس با استفاده از قوه زور و یا انواع دیگر ارباب یا به کار بردن حیل و فریب یا استفاده از ناتوانی جسمی و روانی یا تبدیل نودن طفل یا نوزاد به نوزاد دیگر یا دور نمودن از والدین یا سرپرست قانونی وی یا رها نمودن در محل غیرمسکونی اعم از اینکه چنین اعمال به قصد بهره‌کشی باشد یا رساندن ضرر مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد». (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۵۹۰)

۸. مجازات نوزادربایی

شخصی که طفل نوزاد را از سرپرست قانونی وی دور یا او را پنهان کند یا به طفل دیگری تبدیل کند یا او را به غیرمادرش نسبت بدهد به بیشترین حبس متوسط محکوم می‌شود. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۵۹۳) براساس ماده ۵۹۲ کود جزایی افغانستان در صورتی که به طفل صدمه وارد نشده باشد به حبس متوسط محکوم می‌شود. براساس بند ۲ در مورد رها کردن هم جزای رها کردن و هم جزای صدمه داده می‌شود (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹). ربایش اطفال در مراحل بالاتر رشد و طفل تازه متولد از نظر عنصر روانی، یکسان است. داشتن اراده بیانگر عمد است که جرم آدم‌ربایی محقق می‌شود، اما اگر اختطاف با هدف نجات جان آنها باشد چون قصد سوء وجود ندارد شامل کودک‌ربایی نمی‌شود (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۹).

۹. مجازات قاچاق کودک

قاچاق کودکان در قوانین ایران و افغانستان جرم‌انگاری شده است. نفس قاچاق انسان جرم است و استفاده از کودکان در جرایم مواد مخدر نیز مجزا جرم‌انگاری شده است. رفتار قاچاق چیان مواد مخدر در مورد کودکان به دو بخش تقسیم شده است: اول اینکه، کودکان در معرض مصرف مواد مخدر قرار گیرند؛ دوم اینکه، کودکان در معرض تولید، توزیع و فروش مواد مخدر قرار گیرند (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱). ماده ۵۱۰ کود جزای افغانستان قاچاق انسان را این‌گونه تعریف کرده است: «استخدام یا تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا

دریافت شخص است به منظور بهره‌کشی با استفاده از شیوه تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار، اختطاف، حيله و فریب، سوءاستفاده از نفوذ، سوءاستفاده از حالت آسیب‌پذیری یا مجبوریّت و...» (کودجزا، ماده ۵۱۰). مجازات قاچاق انسان در ماده ۵۱۱ این‌گونه آمده است: «شخصی که مرتکب جرم قاچاق انسان گردد به حبس طویل تا ده سال محکوم می‌شود» (کودجزا، ماده ۵۱۱).

۱۰. مجازات به‌کارگیری کودک

شخصی که طفلی را در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضرصحت، زیرزمینی، شبانه یا اضافه‌کاری استخدام کند یا طفل را برای کار به مسافرت مجبور کند به جزای نقدی از ده‌هزار تا سی‌هزار افغانی محکوم می‌شود. (وزارت عدلیه افغانستان، ۱۳۴۲، ماده ۶۱۳) براساس فقره ۲ ماده ۶۱۶: «شخصی که طفل را به‌گدایی مجبور سازد در غیر از احوال قاچاق انسان مندرج در این قانون به حبس قصیر محکوم می‌شود» (کودجزا، فقره ۲ ماده ۶۱۶). ماده ۶۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان افغانستان مصوب ۱۳۹۷ تصریح می‌دارد: «وزارت خانه‌ها و ادارات دولتی ذیربط مکلف است به‌منظور جلوگیری از استخدام اطفال در کار به‌قصد بهره‌کشی‌ها یا کار طاقت‌فرسا شامل سوءاستفاده از اطفال در گدایی و کارهای مضر به سلامت جسمی، ذهنی، روانی، معنوی یا اجتماعی یا کاری که در تعلیم، تربیت و آموزش طفل اخلاص وارد نماید تدابیر لازم اتخاذ کند» (کودجزا، ماده ۶۲).

۱۱. نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در قوانین نشان می‌دهد که حقوق زیادی برای کودکان به‌رسمیت شناخته شده است که مهمترین آنها عبارتند از: حق حیات، حق آموزش، حق پرورش و... در تعیین پایان دوره کودکی در برخی قوانین داخلی اختلاف وجود دارد. در قوانین کشورها برای مقابله با نقض حقوق کودک اقداماتی صورت گرفته است که ازجمله این اقدامات در افغانستان تصویب قانون کود جزا و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و ملحق شدن به

کنوانسیون‌های بین‌المللی است. با جرم‌انگاری و تعیین مجازات جرایم علیه کودکان سعی شده است برای اعتلای هرچه بیشتر منافع کودکان و نوجوانان و پیشگیری و انجام نشدن نقض حقوق کودکان گام مهمی برداشته شود، اما به نظر می‌رسد که این قوانین به اندازه کافی بازدارنده نبوده‌اند؛ زیرا هنوز نقض حقوق کودک در کشورها از جمله افغانستان وجود دارد.

فهرست منابع

۱. ابراهیم منصور، اسحق (۱۹۹۹). نظریات القانون و الحق و تطبیقاتها فی القوانين الجزائیه. الجزائر: دیوان مطبوعات الجامعیه.
۲. احمدی، عید محمد، و صداقت، قاسم علی (۱۳۹۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تأکید بر قانون اساسی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۳. اسدالهی حاجی‌کرد، ملیحه (۱۳۸۰). بررسی سوء رفتار والدین با کودکان در مدارس ابتدایی دخترانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۵۴). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۵. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۱). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. باقری یزدی، عباس، سیاری، علی‌اکبر، جلیلی، بهرز، شاه‌محمدی، داود، ایمان‌زاده، فرید، و کرمی، حسن (۱۳۸۰). بررسی کودک‌آزاری جسمانی در مراجعین به درمانگاه‌های شهر تهران. نشریه توانبخشی، ۳۲ (۵)، ۷-۱۳.
۷. براندن، ناتانیل (۱۳۹۸). روان‌شناسی عزت نفس. مترجم: قراچه‌داغی، مهدی. تهران: نشر نخستین.
۸. بیگی، جمال (۱۳۸۸). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۹. پورناجی، بنفشه (۱۳۸۷). مرگ خاموش نگاهی به کودک‌آزاری. تهران: انتشارات همشهری.
۱۰. جعفری، اکبر (۱۳۹۸). نوآوری‌های کد جزایی افغانستان در خصوص جرایم ناقض حقوق اطفال. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. قم: دانشگاه قم، دانشکده حقوق.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۵). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الهدایه.
۱۲. دانش پیژوه، مصطفی (۱۳۹۲). مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه‌دیدہ‌شناسی حمایتی. تهران: نشر دادگستر.
۱۴. رسولی، عبدالحسین (۱۳۹۳). اموال و مالکیت در حقوق افغانستان. کابل: دانشگاه ابن سینا.
۱۵. عارفی، مرتضی (۱۳۹۹). شرح جامع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. علی نظری، جمعه (۱۳۸۸). قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان. تهران: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. قییم، عبدالنبی (۱۳۹۳). فرهنگ عربی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
۱۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۳). حقوق قراردادها در فقه امامیه. تهران: سمت.
۱۹. موحد، محمد علی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت، از حقوق تطبیقی تا حقوق بشر. تهران: نشر کارنامه.
۲۰. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه‌های حقوق بشر. تهران: ماجد.
۲۱. وزارت عدلیه افغانستان (۱۳۴۲). کود جزا. افغانستان: جریده رسمی.

بررسی تطبیقی جرم مطلق در ایران و جرم مطلق در افغانستان

مرضیه نیازی^۱، عاطفه حسن‌زاده^۲

چکیده

در عصر حاضر با گسترش جرایم در حوزه‌های مختلف، دانشمندان حوزه حقوق، جرایم را از زاویه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. این موضوع سبب می‌شود هر جرمی به صورت جداگانه تعریف شود و عناصر و شرایط تشکیل‌دهنده آن نیز به صورت جدا بررسی شود تا بدین ترتیب جرایم از یکدیگر تمیز داده شده و تفکیک شوند. دانشمندان در تقسیم جرایم به آثار زیان‌بار فعل مجرمانه توجه می‌کنند و جرایمی که خسارات حاصل از آنها به طور کلی سمت و سوی مشترکی دارند را در یک گروه قرار می‌دهند. معیار تشخیص جرایم مطلق و مقید در نیاز داشتن و عدم نیاز این جرایم به نتیجه است. اگر جرمی نیاز به نتیجه داشت آن جرم مقید نامیده می‌شود. جرایمی مانند ارتشاء، رشأ، جعل و تزویر از جرایم مطلق است که هرکدام مجازات‌های خاص خود را در پی دارد. تحقیق حاضر از روش آمیزه‌ای، به کمک اسناد نوشتاری، سامانه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی بهره برده است.

واژگان کلیدی: جرم، مطلق، مقید، مصادیق، جمهوری اسلامی ایران، افغانستان.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جرایم مطلق

جرم مطلق جرمی است که به صرف ارتکاب عمل واقع شده تحقق می‌یابد از اینکه عمل به نتیجه مطلوب رسیده باشد یا نرسیده باشد مانند مقررات ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت، خود را در مشاغل اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است، دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت». در این ماده صرف دخالت در امور دولتی، جرم تلقی می‌شود و مقید به حصول نتیجه نیست (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۳). قانون، نفس عمل ارتكابی را جرم می‌داند. ماده ۷۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال کیفر نقدی و یا هردوی آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد». این جرم نیز مطلق است و با صرف دعوت و دایر کردن محقق می‌شود و لازم نیست تا افرادی به‌طور حتمی این دعوت را اجابت کرده باشند (میرخلیلی، ۱۳۹۴، ص ۳۹۴).

تعبیر دیگر در مورد جرایم مطلق و مقید این است که به این جرایم، صوری و مادی می‌گویند. اساس جرم صوری همان جرم مطلق و جرم مادی همان جرم مقید است. با این توضیح که هرگاه در توصیف مجرمانه، حصول نتیجه خاص و معین مورد نظر باشد آن جرم مادی است و چنانچه در توصیف مجرمانه، نتیجه خاصی ملحوظ نشده باشد جرم صوری است. (نجفی توانا، ۱۳۹۳، ص ۳۰۲) بارزترین جرایم مطلق در حقوق کیفری افغانستان در حوزه جرایم امنیت داخلی و خارجی، زیست‌محیطی، اموال و مالکیت و فساد اداری است.

شروع‌کننده به جنایت به جزایای آتی محکوم می‌شود مگر اینکه در قانون برخلاف آن تصریح شده باشد:

- در مواردی که جزای اصل جرم، اعدام باشد حبس دوام؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس دوام باشد حبس طویل؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حداکثر جزای اصل جرم.

۲. مهمترین مصادیق جرایم مطلق

در قانون مجازات اسلامی، ارتشاء، جرمی مطلق است. ماده 3 قانون تشدید مجازات می‌گوید: «مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه‌برداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طورکلی، قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد اگر وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قبول کند در حکم مرتشی است اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن براساس حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به‌ترتیب زیر مجازات می‌شود». در ماده ۳۰ قانون جزا، افغانستان:

- در مواردی که جزای اصل جرم، اعدام باشد، حبس دوام؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس دوام باشد حبس طویل؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حداکثر جزای اصل جرم (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ص ۲۰۰).

۲-۱. رشا و ارتشا

رشا به معنی چیزی است برای ضایع کردن حقی یا انجام کاری برخلاف حق و عدالت است. این واژه در اصطلاح حقوقی عبارت است از: آنچه به کسی بدهند تا باطل را احقاق و حق را باطل کند. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵) ارتشاء عبارت از گرفتن وجه مال برای انجام یا عدم انجام امری است. گاهی واژه رشوه به معنی کود و خاشاک نیز به کار رفته است (دهخدا، ۱۴۰۰، ص ۳۶۳). ارتباط این معنی با معنی اصطلاحی حقوقی این است که همان طور که کود و خاشاک زمین را برای زراعت آماده می کند رشوه نیز نظر مرتشی کسی که قبول رشوه می کند را برای انجام کار مورد نظر راشی (کسی که رشوه پرداخت می کند)، جلب می کند. رشوه دادن را رشا و رشوه گرفتن را ارتشا می نامند. رشوه دادن و رشوه گرفتن از جرایم علیه آسایش عمومی است که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری، از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن مأموران دولتی می شود. بدین وسیله مأموران عادت می کنند که وظایف خود را جز با اخذ مابه‌ازا و پاداشی از ارباب رجوع انجام ندهند. برای جلوگیری از این فساد در بیشتر کشورهای دنیا ارتکاب این گونه اعمال جرم و قابل مجازات شناخته شده است (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵).

این جرم از جرایم بسیار قدیمی است که به‌ویژه در مورد قضات از دیرباز دامن گیر بشریت در همه کشورها بوده است. ویل دورانت با توصیف اوضاع اجتماعی عصر الیزابت ۱۵۵۸-۱۶۰۳ از وضع نابسامان قانون و عدالت در آن دوران سخن گفته و اظهار می دارد که دادگاه‌ها به اتفاق و بیشتر فاسد بودند. یکی از اعضای پارلمان آن روز یک قاضی را حیوان خطاب کرده است که برای نیم‌دوجین جوجه از یک‌دوجین قانون چشم می پوشد. شکسپیر از قول لیر می گوید: «گناه را با فلاندون کن تا نیزه نیرومند عدالت بدون آنکه صدمه‌ای دیده باشد، بشکند» (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷). درهمین دوران چه بسیار مناصب و القابی که با پول خرید و فروش می شدند و چه بسیار قراردادها و معاهداتی که حتی در سطح بین‌المللی با رشوه

به یک یا چند صاحب‌منصب دولتی به نفع یک کشور خارجی منعقد می‌شدند (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷).

قبل از آن نیز در ایران باستان این عمل به‌ویژه از سوی قضات انجام می‌شد. هرودت می‌گوید: «کمبوجیه، تاریخ امپراتوری ایران می‌شده است». المستد در کتاب خود فرمان داد تا قاضی را که در مقابل رشوه، حکم ناحق داده بود، کشتند و سپس پوست بدن او را کنده و پس از دباغی بر روی مسند سابق او که به فرزندش رسیده بود، انداختند تا فرزند در همه حال از عاقبت بد رشوه‌خواری آگاه باشد. همین شخص از مصلوب قاضی به دست دایوش به دلیل رشوه‌خواری سخن گفته است (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷). در متون اسلامی نیز رشوه دادن و رشوه گرفتن بسیار مذموم شمرده شده است. در قرآن یکی از مصادیق آن رشوه خواری است: «اکل مال بباطل و اکل السحت» رشوه نیامده است، اما در آیات قرآن به شدت منع شده است. در روایات به راشی و مرتشی وعده آتش داده شده است: «الراشی و المرتشی فی النار؛ رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده در آتش هستند». قانون‌گذار افغانستان نیز ارتشاء را به طور صریح در ماده ۲۵۴ قانون جزای افغانستان تعریف کرده است (متقی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

۳. عناصر جرم رشوه

۳-۱. عنصر قانونی

رشوه در منابع اسلامی حرام است و به رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده وعده آتش داده شده است. از نظر قانونی نیز این عمل جرم بوده و مجازاتی برای عاملین معین شده است. ماده ۳ قانون تشدید و مواد ۵۹۲-۵۸۸ قانون تعزیرات عنصر قانونی انواع عام ارتشاء و قوانین متفرقه‌ای که گاه‌وبی‌گاه در مورد انواع خاص این جرم به تصویب مقنن رسیده‌اند مانند ماده ۴۳ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، قانون مجازات جرایم نیروهای مصلح مصوب ۱۳۸۲ و... عنصر قانونی انواع خاص آن است. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶) عنصر قانونی جرم رشوه در قانون ایران ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب

۱۳۶۷ و مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. از نظر مجازات، قانون ایران همراه تشدید و تخفیف مجازات جزای نقدی، حبس و انفصال دائم یا موقت است، ولی در قانون افغانستان فقط به جزای نقدی و حبس اکتفا شده است.

۲-۳. عنصر مادی

در این قسمت حقوق دانان تلاش کرده‌اند ابتدا بگویند که جرم ارتشاء شامل چه افرادی می‌شود و سپس موضوع این جرم چه اشیاء و اموالی را دربرمی‌گیرد و در نهایت، عمل مرتکب باید چگونه باشد تا پس از تحقق آن بتوان او را در قالب مرتشی تعقیب کرد.

۱-۲-۳. سمت مرتشی

جرم ارتشاء از جمله جرایمی است که اختصاص به کارمندان و مأمورین دولتی دارد. افراد مرتشی در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به ترتیب قانون عبارتند از:

- مستخدمین و مأمورین دولتی از قضایی و اداری؛
- کارمندان و کارکنان شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی مانند کارکنان نهاد ریاست جمهوری؛
- کارمندان و کارکنان قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه؛
- سپاه پاسداران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آن، مشمول قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری؛
- کارکنان و کارمندان شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت مثل کارخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی؛

- مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۳۸).
بنابراین، بحث رشوه‌خواری مخصوص مأمورین دولت است که سلطه و اقتدار قانونی خود را وسیله کسب و تجارت قرار می‌دهند، ولی قانون‌گذار علاوه بر مستخدمین و مأمورین دولتی در مورد برخی وابستگان دادگستری و افراد عادی نیز احکام ارتشاء را تسری داده است. در

ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه درمقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم می شود و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد. این ماده ناظر به مجازات و کارشناس اعم از اینکه توسط دادگاه انتخاب شده باشد یا طرفین می باشد» (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶).

۳-۲-۲. سمت راشی

قانون گذار در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی درصدد تعریف راشی چنین مقرر می دارد: «هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف افراد مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبردای مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است». در این ماده مجازاتی برای راشی پیش بینی نشده است، اما راشی را تعریف کرده است.

۳-۲-۳. موضوع جرم

قانون گذار ایران در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری موضوع جرم ارتشاء را محدود قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال کرده است، اما در ماده ۵۹۰ قانون تعزیرات، انجام یا معاملات به بهای غیر واقعی را نیز در حکم دادن یا گرفتن مال و در نتیجه موجب تحقق عناوین مجرمانه رشا و ارتشاء دانسته است. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷) بدین ترتیب، پرداخت رشوه بانام هر نوع معامله صوری، جرم است و مستخدمین دولت از قضایی و اداری حق ندارند رشوه را به اسم همسر یا فرزند یا نزدیکان خود و غیر اینها به صورت انتقال مال واقع سازند که در این صورت رشوه محقق می شود. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون

افغانستان است. در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

۳-۲-۴. فعل مرتکب

پرداخت رشوه باید برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری باشد که مربوط به سازمان‌های مذکور است. بنابراین، عمل مرتکب فعل مثبت مادی خارجی است که مال یا وجه یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال ازطرف راشی را درقبال انجام یا ترک انجام کاری که مربوط به وظایف او و یا دیگران است، دریافت کند. بنابراین، اگر مستخدم دولتی براساس وظیفه محوله اقدام کند بدون اینکه وجه یا مالی دریافت کرده باشد مرتشی محسوب نمی‌شود. همچنین اگر مأمور برحسب توصیه و خواهش، انجام یا خودداری از انجام عملی کرده باشد بازهم مشمول حکم ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء قرار نمی‌گیرد. پذیرفتن مال یا وجه و غیره ازطرف مستخدم دولت اعم است از اینکه درهنگام انجام کار صورت گیرد و یا پس از آن. برای مثال شخصی مال یا وجهی را به همسر یا فرزند و خویشاوندان مأمور درقبال رشوه پرداخت کند و مأمور مطلع از این امر نباشد و پس از اطلاع، راضی به این امر شود جرم ارتشاء محقق می‌شود، ولی اگر مأمور مذکور پس از وقوف به قضیه درمقام رد آن برآید دیگر نمی‌توان او را درقبال مرتشی تعقیب کرد. به همین صورت اگر راشی بدون اطلاع ازطرف وجهی را در جیب مأمور قرار دهد و به این وسیله مستخدم دولت را غافل گیر کند و بلافاصله او وجه را گرفته به دنبال راشی برود که به وی مسترد نماید به همین اثنا با صحنه سازی قبلی دستگیر شود دیگر نمی‌توان مستخدم را درقبال راشی شناخت؛ زیرا در ارتشاء قصد و رضایت مرتشی به اخذ وجه و تبانی او با راشی شرط است. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۹) مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. از نظر مجازات، قانون ایران همراه تشدید و تخفیف مجازات، جزای نقدی، حبس و انفصال دائم یا موقت است، ولی در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

۴. رکن معنوی

قانون‌گذار ایران تنها در ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات درباره رشای قیود «عالمًا و عامدًا» را به کار برده است، اما در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری درباره ارتشاء ذکر کرده است. این واژه‌ها به میان نیاورده است. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است و در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است. برای تحقق هردو جرم مرتکب باید از روی عمد و اختیار مالی را از دیگری گرفته (ارتشاء) و یا به او داده باشد (رشا). بنابراین، هرگاه این کار در حال خواب و یا بی‌اختیاری و مستی صورت گیرد مرتکب فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود. مرتکب و یا مرتکبان باید نسبت به موارد زیر عالم باشند (میر محمدصادقی، ص ۳۷۸):

- راشی و مرتشی از سمت مرتشی به عنوان کارمند دولت مطلع باشند؛

مرتکب باید بداند که وجه، مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده آن است، داده می‌شود، وگرنه مسئولیت کیفری وجود ندارد. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

۴-۱. شروع به جرم رشوه

در شروع به جرم با وجود اینکه هنوز ضرری به جامعه وارد نشده است شروع‌کننده به دلیل حالت خطرناکی که از خود نشان داده است، مجازات می‌شود، البته شروع به ارتکاب جرم مثل هر جرم دیگری در صورتی قابل مجازات خواهد بود که قانون به این امر تصریح کرده باشد. براساس تبصره ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ هر شروع به جرمی قابل مجازات نیست. چنان‌که مقرر می‌دارد مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این نظر قابل مجازات نیست. در قوانین ایران حکمی درباره عمل رشا یافت نمی‌شود، ولی شروع به ارتشاء در تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و در ماده ۵۹۴

قانون تعزیرات پیش‌بینی و در هردو مورد حداقل مجازات مقرر در جرم تام برای شروع‌کننده در نظر گرفته شده است. براساس تبصره ۳ ماده مذکور در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد مرتکب به مجازات آن جرم محکوم نیز خواهد شد.

باتوجه به اینکه محکوم کردن مرتکب به مجازات شروع به ارتکاب جرم و هم به مجازات جرم خاصی که مرتکب آن شده است با اصول پذیرفته شده حقوق کیفری و با مفاد ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ تعارض دارد و باتوجه به اینکه ماده مآخرا تصویب ۵۹۴ فقط به تحمیل مجازات شروع به جرم بر مرتکب اشاره کرده و سخنی از تحمیل مجازات جرم خاص ارتکاب یافته ازسوی او به میان نیاورده است، بهتر بود در مواردی که عمل انجام یافته ازسوی مرتشی نام مجرمانه خاصی ندارد وی را براساس ماده ۵۹۴ به تحمل حداقل مجازات مقرر برای جرم تام ارتشا و در مواردی که اعمال انجام شده ازسوی او نام مجرمانه خاصی دارد وی را براساس ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی تنها به مجازات مقرر شده برای همان جرم خاص محکوم و او را از تحمل مجازات شروع به جرم معاف کرد. (میر محمد صادقی، ص ۵۷۴) قانون جزای افغانستان در دو ماده مصادیق موضوع رشوه را احصاء کرده است. باتوجه به ماده ۲۵۴ مواردی همچون «پول نقد، مال، منفعت و بخشش» و باتوجه به ماده ۲۵۹، بخشش جزو مصادیق موضوع رشوه است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰).

۵. مجازات راشی و مرتشی

۵-۱. مجازات مرتشی

براساس ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری برای مرتشی مجازات‌های حبس، جزای نقدی، شلاق و انفصال تعیین شده است. میزان مجازات مرتکب براساس ماده ۳ بستگی به قیمت مال مأخوذ مرتبه مرتکب بدین ترتیب دارد:

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذه بیش از بیست هزار ریال نباشد با انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا هم طراز مدیرکل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال و تا دویست هزار ریال باشد مرتبشی از یک تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر یا هم طراز مدیرکل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا هم طراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا هم طراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۵۲)؛

- باصراحت ماده ۲۵۴ افغانستان هرگاه وجه، مال یا منفعت دریافتی ازسوی موظف خدمات عامه به منظور امتناع یا اخلال در وظیفه تکلیفی وی باشد و حتی اگر به منظور اجرای وظیفه وی نیز باشد فرد را در قالب رشوه گیرنده تحت تعقیب کیفری قرار می دهد؛

- مرتکبین ماده ۲۵۹ افغانستان جنبه حصری دارند و تنها شامل همان افرادی می شود که در ماده ذکر شده است. (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۶۶)

۵-۲. مجازات راشی

مجازات راشی در تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مقرر می‌دارد در تمام این موارد، مال ناشی از ارتشاء در قالب تعزیر رشوه‌دهنده به نفع دولت ضبط می‌شود و اگر راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو می‌شود. در این تبصره، راشی فقط به مجازات ضبط مال محکوم شده است، اما در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ قانون‌گذار مقرر می‌دارد که هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مرتکب ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و در قالب مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۵۳).

دیدگاه قانون جزای افغانستان نیز بر اساس ملاک خدمات عامه است. این قانون در ماده ۲۵۴ با به کار بردن عبارت «هر موظف خدمات عامه» جنبه خدمات عامه داشتن وظیفه موظف را ملاک در تحقق جرم رشوت دانسته است - البته ملاکی است که می‌تواند پاسخ‌گوی شرایط فعلی جامعه باشد- قانون جزا همچنین با مقید کردن مصادیق موظفین خدمات عامه در ماده ۱۲ همین قانون، اقدام به رفع مهمترین نقد این قانون که مشخص کردن مفهوم و مصادیق خدمات عامه می‌باشد، نموده است. (عارف راشد ۱۳۹۲، ص ۳۶)

۶. جعل و تزویر

جعل در لغت عبارت است از دگرگون کردن، منقلب کردن، گردانیدن، قرار دادن، آفریدن، وضع کردن، ساختن و ایجاد کردن. (معین، ۱۳۸۲، ۱/۱۲۳۰). در اصطلاح عبارت است از ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جازدن آنها در قالب اصل. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷) قانون‌گذار ایران در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات در صدد تعریف جرم جعل مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارت است از: ساختن نوشته

یا سند، ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن، قلم بردن، الحاق یا محو، اثبات یا سیاه کردن، تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی، الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب». براساس قوانین افغانستان، شخصی که بدون صلاحیت، مهر اداره غیردولتی را به دست آورد و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند به حبس قصیر محکوم می‌شود (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰). قانون، جزای حبس متوسط و قصیر را برای افرادی در نظر گرفته است که بدون صلاحیت، مهر اداره دولتی یا غیردولتی را به گونه‌ای استعمال کند که ضرر آن متوجه منافع عامه شود؛ زیرا نظم عامه و امنیت عمومی مهمترین موضوعی است که اگر با انجام فساد مختل شود زمینه‌های زیست برای افراد بشری تنگ خواهد شد. بنابراین، قانون با در نظر داشتن آن، این موضوع را مطرح کرده است (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

۷. ارکان جرم جعل و تزویر

براساس مفاد ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ارکان جرم جعل و تزویر را به طور خلاصه بررسی می‌شود.

۷-۱. رکن قانونی

جرم جعل و تزویر مانند باقی جرایم به عملی گفته می‌شود که رکن قانونی داشته باشد و به موجب قانون، جرم تلقی شود. قانون‌گذار همچنان که در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، جرم جعل و تزویر را تعریف کرده است در ماده ۵۳۶ قانون مذکور درصدد مجازات جرم جعل چنین مقرر می‌دارد: «هرکس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم و به جعل، آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. بنابراین، دادرس دادگاه در حکم صادره به این مواد قانونی استناد می‌کند». جزای جدید در بند دوم ماده ۴۳۶ خود در افغانستان چنین بیان می‌دارد: «شخصی که یکی از اشیای آتی را تزویر یا

باوجود علم به تزویر آن را استعمال یا به افغانستان داخل کند به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم می‌شود».

۲-۷. رکن مادی

برای روشن شدن رکن مادی جرم جعل، حقوق دانان روی سه موضوع سمت مرتکب، موضوع جرم و فعل مرتکب امعان نظر کرده‌اند.

۱-۲-۷. سمت مرتکب

قانون‌گذار ایران در بیشتر مواد مربوط به جرم جعل از کلمه «هرکس» استفاده می‌کند. بنابراین، هر فرد ایرانی یا خارجی چه مرد باشد و چه زن و با هر شغلی که باشد، می‌تواند مرتکب جرم جعل شود. حال آیا منظور از کلمه «هرکس» در قانون، اشخاص حقیقی است یا اشخاص حقوقی. در قانون مجازات اسلامی ماده صریحی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص داده نشده است و در پاره‌ای موارد که ذکر از اشخاص حقوقی می‌شود بیشتر مسئولین و مدیران شرکت را مسئول اعمال مجرمانه می‌شناسد. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۹) در بند دوم ماده ۴۳۶ خود در افغانستان چنین بیان می‌دارد: «شخصی که یکی از اشیای آتی را تزویر یا باوجود علم به تزویر، آن را استعمال یا به افغانستان داخل کند به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم می‌شود» (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲).

۸. موضوع جرم

براساس ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات، جعل و تزویر عبارت از ساختن نوشته یا سند یا مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی و سایر اشیاء و تغییراتی است که در سند یا نوشته موجود و معتبر به ترتیب مقرر در قانون ایجاد شود.

۱-۸. ساختن نوشته

نوشته هر عبارت و علامت اصلاحی است که برخلاف حقیقت و به منظور اضرار به غیر با دست و قلم و یا چاپ و ماشین روی صفحه‌ای تنظیم شود. در مورد نوشته ذکر دو نکته ضروری

است: اول، ضرورتی ندارد ذکر مطالب تحریف شده در نوشته، توسط خود جاعل صورت گرفته باشد. بنابراین، هرکس بلیط هواپیما، راه آهن، اتوبوس و ورودی نمایشگاه‌ها و غیره را چاپ کند مرتکب جعل در نوشته شده است؛ دوم، ساختن نوشته زمانی محقق می‌شود که ورقه‌ای دال بر وجود رابطه حقوقی تهیه و تنظیم شده و ارزش حقوقی داشته باشد، پس اگر در نوشته‌ای که در آن قلب حقیقت صورت می‌گیرد، نتواند مثبت حق و فاقد ارزش قضایی باشد شامل حکم قانونی نمی‌شود.

۸-۲. ساختن سند

براساس ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام اثبات دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. هر نوشته‌ای ممکن است در اثبات یا دفاع از دعوایی به کار آید. بنابراین، قید انتهای ماده ۱۲۸۴ بدین منظور است که نوشته در دعوایی سند به شمار می‌رود که برای اثبات یا دفاع قابل استناد باشد. بدین ترتیب، ممکن است نوشته‌ای در یک دعوی سند باشد و در دعوایی دیگر با این وصف خوانده نشود. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ص ۲۳۸) در تمام معاملات، عقود و ایقاعاتی که در دفاتر اسناد رسمی در حدود صلاحیتشان تنظیم می‌شود از اوراق رسمی محسوب می‌شود و جعل آن با همین عنوان قابل تعقیب است. همچنین عملیات اجرایی مربوط به اسناد رسمی در عداد اسناد رسمی محسوب می‌شود و جعل آنها از نظر رسمی بودن مستوجب پیگرد است (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴).

۸-۳. ساختن امضا و مهر

ساختن امضا به این معنی است که علامت انتخاب شده توسط اشخاص که با ذوق خودشان برای تأیید و تصدیق نوشته‌هایشان به خود اختصاص می‌دهند تا در مواقع لزوم از آن استفاده کنند به طور تقلب‌آمیز ذیل نوشته یا سند یا سایر قسمت‌های مناسب، ضروری و معمول در تنظیم نوشته‌ها و اسناد گذارده می‌شود. مهر وسیله‌ای است که برای استعمال در زمان تنظیم نوشته‌ها، اسناد، اوراق، قراردادهای مربوط به معاملات و سایر روابط حقوقی، اداری و مکاتبات

رسمی و غیررسمی از فلز یا سنگ و یا اشیای دیگر ساخته می‌شود. ساختن مهر زمانی تحقق می‌یابد که به‌طور متقالبانه عملی شده باشد. گاهی اشخاص به‌جای امضا از اثر انگشت و مهر استفاده می‌کنند و بدین ترتیب جعل اثر انگشت و مهر این اشخاص مشمول مقررات مربوط به جعل امضاست. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴) براساس قوانین افغانستان، تزویر مادی ممکن است به‌صورت خراشیدن یا تراشیدن، قلم بردن یا الحاق، محو یا سیاه کردن، تقدیم و یا تأخیر سند، نسبت به تاریخ حقیقی، الصاق نوشته به نوشته دیگر یا به‌کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن باشد که هرکدام به‌صورت جداگانه بحث می‌شود.

۸-۳-۱. خراشیدن یا تراشیدن

برخی معتقدند که خراشیدن، محو جزئی از کلمه در سند یا نوشته است که جزئی از کلمه تغییر پیدا می‌کند، اما تراشیدن شامل محو و ازبین بردن کامل کلمه است به‌طوری‌که از خود آثاری باقی نگذارد. در تراشیدن که به‌وسیله آلات مخصوص مانند چاقو، تیغ، کاغذ تراش، شیشه و امثال آنها که تراشنده است، صورت می‌گیرد تمام قسمت تراشیدن ممکن است جزئی از کلمه یا کل آن باشد، ولی در نتیجه این عمل، نوشته اصلی غیرخوانا یا به‌طور دیگری خوانا می‌شود و یا اینکه اساس نوشته از نظر رنگ جوهر، کهنه و قدیمی وانمود می‌کند. برای نمونه، عدد ۳ را با ناخن به عدد ۲ تبدیل کنند یا ازبین بردن یکی از حروف الفبا مانند حرف «ی» از کلمه حسین و تبدیل آن به حسن. در مثال تراشیدن می‌توان گفت که تراشیدن اسم پدری کسی از سند و گذاشتن اسم پدر خود به‌قصد اینکه در آینده مورد استفاده قرار بگیرد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴)

۸-۳-۲. الحاق

شامل اضافه کردن رقم، عدد، واژه یا علامت مخصوص دستور زبان در قسمت‌های خالی بین سطور و کلمات یک نوشته یا سند است که در تغییر معنی مؤثر است. برای مثال اضافه کردن چند صفر به ارقام مندرج چک یا اضافه کردن حرف یا واژه. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵)

۸-۳-۳. قلم بردن

تبدیل کردن و تغییر دادن حروف و واژگان یا ارقام موجود بدون اینکه کلمه و رقم جدید اضافه شود مانند تبدیل ۲ به ۵ یا ممکن است مرتکب با استفاده از قلم، بخش‌هایی از یک نوشته یا سند را ناخوانا کرده یا خط بزند. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷)

۸-۳-۴. محو

پاک کردن و از بین بردن جمله، واژه، حروف، عدد و رقمی در یک نوشته یا سند به گونه‌ای که نتوان به آن پی برد که با مواد شیمیایی یا وسایلی مانند پاک‌کن، لاک غلط‌گیر، آب یا دستگاه‌های تایپ صورت می‌گیرد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸)

۸-۳-۵. سیاه کردن یا اثبات

ناخوانا کردن قسمتی از یک نوشته یا سند به وسیله ایجاد لکه جوهر. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹) در این حالت، در اثبات، علائمی که حاکی از بطلان نوشته است، پاک می‌شود و چنین وانمود می‌شود که علامت بطلان از اصل وجود نداشته است. برای نمونه، بعد از پرداخت پول روی صورت حساب‌ها یک علامت چلیپا کشیده می‌شود که نشان‌دهنده بطلان و بی‌اعتبار بودن صورت حساب است. اگر شخصی به هر صورت ممکن آن علامت را از بین ببرد اقدام به اثبات کردن سند یا نوشته کرده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که اثبات یعنی، اعتبار دادن به امر باطل مندرج در سند یا نوشته (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰).

۸-۳-۶. الصاق

الصاق یعنی، مونتاژ اسناد و نوشته‌ها به یکدیگر به طور متقلبانه. برای مثال جدا کردن امضای فردی از ذیل یک نوشته و وصل کردن آن به یک سند مالی. در این حالت قسمت‌هایی از یک نوشته یا سند به نوشته یا سند دیگر منضم می‌شود به طوری که آنچه به وجود می‌آید نوشته واحدی تصور شود. ممکن است ضمیمه کردن با منگنه کردن، چسپاندن و شیوه‌های دیگری انجام شود به شرط اینکه آنچه حاصل می‌شود نوشته واحدی محسوب شود (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱)

۸-۳-۷. تقدیم و تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن

این امر ممکن است از مصادیق تزویر مادی یا معنوی باشد. در این حالت، فرد پس از تنظیم سند، تاریخ مندرج در آن را پس یا پیش می‌اندازد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲) عبدالاقرار واصل در کتاب جزای اختصاصی خود مقدم یا مؤخر کردن تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی آن را تزویر مادی خوانده است و از مثال‌های ذیل استفاده می‌کند که یک سند انتقالی، امروز نوشته شده و تاریخ آن را دو روز بعد می‌نویسند یا حکم تغییر مأموریت امروز ابلاغ می‌شود و تاریخ ابلاغ را سه روز بعد می‌گذارند.

۸-۳-۸. استفاده از مهر دیگری

اعم از شخص حقیقی و حقوقی، بدون اجازه صاحب آن در سند یا نوشته‌ای که قابلیت اضرار را دارد اعم از اینکه مهر نزد او به امانت باشد یا به صورت غیرقانونی تحصیل کرده باشد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳)

۸-۴. فعل مرتکب

عمل مرتکب جرم جعل همان فعل مثبت مادی خارجی است که باتوجه به ساختن نوشته، سند، مهر و یا امضاء باید به صورت پیش‌بینی شده در قانون انجام شود. راه‌های مختلف جعل مذکور در قانون مجازات اسلامی را می‌توان با دو عبارت جعل مادی و جعل معنوی بررسی کرد.

۸-۴-۱. جعل مادی

جعل مادی زمانی تحقق می‌یابد که به صورت فیزیکی در یک مدرک تحریف شده ارتکاب یافته باشد به طوری که با ملاحظه و آزمایش دقیق و یا با یک بازنگری سطحی بتوان حداقل از نظر تئوری تشخیص داد که این مدرک جعلی است یا خیر. بدین ترتیب زمانی جعل مادی است که تغییرات معلوم و مشخص و در عالم خارج محسوس باشد که طبیعی است باید به شیوه پیش‌بینی شده در قانون به عمل آمده باشد آن هم در سند معتبر و نه در سندی که از اعتبار افتاده و فاقد ارزش قانونی است. براساس ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل مادی ممکن است به صورت خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا

تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی یا یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن صورت گیرد.

۸-۴-۲. جعل معنوی

جاعل عمل فیزیکی انجام نمی‌دهد، بلکه جعل حقیقت در عالم ذهن صورت می‌گیرد؛ زیرا حقیقت در عالم ذهن منقلب و دگرگون شده و آن‌گاه حقیقت قلب شده در عالم ذهن به عالم ماده منتقل می‌شود. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۳۰۰) قانون‌گذار ایران مواد جعل معنوی را در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی بدین صورت پیش‌بینی کرده است که هریک از کارکنان ادارات دولتی، مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای درباره وظایفشان، مرتکب جعل و تزویر شوند از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده است اقرارشده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

۸-۴-۳. رکن معنوی جرم جعل

جرم جعل از جرایم مادی صرف نیست، بلکه نیازمند عنصر روانی است که بدون احراز آن امکان تعقیب سازنده یا تغییردهنده سند، نوشته یا چیز دیگری بانام جرم جعل وجود ندارد. بنابراین، قانون تعزیرات در انتهای ماده ۵۲۳ که به بیان مصادیق پرداخته قید «به قصد تقلب» را افزوده است. شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای صادره خود اشعار می‌دارد: «سوءنیت از عناصر لازمه جرم جعل به شمار می‌رود». در رأی دیگری عمل کسانی که به دستور دیگران و با حسن نیت مهر می‌سازند چون اطلاعی ندارند جعل محسوب نمی‌شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲). برای تحقق عنصر معنوی جرم جعل از یک سو باید قصد ساختن یا تغییر دادن احراز شود. بنابراین، کسی که در حال خواب طبیعی یا مصنوعی، جنون، مستی یا بی‌اختیاری این اعمال را انجام می‌دهد فاقد سوءنیت عام است. ازسوی دیگر مرتکب

باید قصد خاص فریب دادن دیگران را از اینکه سند یا نوشته یا چیز مجعول دیگری را اصل قبول کنند و از این راه به ضرر خود عمل کنند، داشته باشد. بنابراین، هرگاه طرف به طور عمدی، نوشته یا سندی را جعل کند، اما قصد او فقط خندانیدن دیگران یا هنرنمایی و نظایر آنها باشد جاعل محسوب کردن وی دچار اشکال می شود. بدیهی است باتوجه به اینکه سوءنیت خاص به عنصر نتیجه بازمی گردد و نتیجه در جرم جعل اعم است از ضرر مادی و معنوی، قصد ایراد هر نوع ضرر از مادی یا معنوی را سوءنیت خاص جرم جعل کفایت می کند. همین طور چون ضرر تنها به کسی که سند به نام او ساخته شده است، وارد نمی شود برای تحقق سوءنیت خاص نیز قصد ایراد ضرر به چنین شخصی ضرورت ندارد، بلکه جاعل می تواند قصد ایراد ضرر به دیگری را داشته باشد مثل اینکه کارمند بانک، فریب خورده و درمقابل یک چک مجعول به جاعل از محل وجوه بانک پول بدهد (میر محمدصادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۴).

از نظر حقوق دانان، مصادیق جرایم مطلق عبارتند از: حفاری غیرقانونی، مباردت به خارج کردن اشیاء فرهنگی و تاریخی از کشور، تمرد نسبت به مأمورین دولت، تبانی برای ارتکاب جرم، نشر اکاذب، شرب خمر انتشار هجویه (ماده ۷۰۰ قانون تعزیرات ۷۵)، خریدوفروش آلات قمار (ماده ۷۰۶)، دسترسی غیرمجاز (ماده یک قانون جرایم رایانه ای)، جعل رایانه ای (ماده شش قانون جرایم رایانه ای)، شنود غیرمجاز (ماده ۲ قانون جرایم رایانه ای)، نگهداری و خریدوفروش مواد مخدر (قانون مبارزه با مواد مخدر)، پول شویی (قانون مبارزه با پول شویی مصوب ۱۳۸۶، تهدید به قتل (ماده ۶۶۹ تعزیرات ۷۵).

۹. نتیجه گیری

آنچه در یک جامعه به ویژه جامعه اسلامی مهم است امنیت فیزیکی، اقتصادی و مالی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است؛ یعنی همان اعتماد و اعتبار در هر عملکرد و برخورد انسانی و بشری. روشن است که جرم تزویر، شکننده و ازبین برنده اعتماد و اعتبار از هر نگاه در یک جامعه است. برای اینکه بتوان وضعیت نرمال روند زندگی بشر حفظ شود باید از همچون عملکردهایی جلوگیری شود تا بشریت در اجتماع انسانی و بشری بدون ترس و وحشت زندگی

کنند. تزویر در شریعت اسلام حرام و نارواست. تزویر در شریعت اسلامی جایی ندارد و ناجایز و حرام است. تزویرکننده، قابل مجازات است تا جامعه اسلامی و انسانی به آلودگی‌ها و نابسامانی‌ها مواجه نشود. علاوه بر قوانین ایران در جزای افغانستان می‌توان دید که عمل تزویر جرم و مرتکب آن قابل مجازات است چه اینکه مزور، مأمور خدمات عامه باشد یا افراد ملکی. به هر صورت مرتکب تزویر قابل مجازات است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اصغری، سید محمد (۱۳۷۷). بررسی حقوقی و فقهی رشوه و احتکار. تهران: اطلاعات.
۲. ایزدی فرد، علی اکبر (۱۳۸۳). رشوه غیرمالی. نشریه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۵، ۱۱-۲۸.
۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۹). رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه. نشریه مدرس، ۴(۴)، ۵۲-۳۵.
۴. حسینی، سید حسین (۱۳۸۳). نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین. نشریه پژوهش‌های حقوقی، ۶(۳)، ۱۲-۲۰.
۵. حسینی، سید حسین (۱۳۸۸). تقریرات درس حقوق جزای تطبیقی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۴۰۰). لغت‌نامه. تهران: امیرکبیر.
۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: مجد.
۸. صادقی، حسین میرمحمد (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی. تهران: نشر میزان.
۹. عارف راشد، محمد (۱۳۹۲). ارتشاء در حقوق ایران و افغانستان. قزوین: دانشکده حقوق.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران. تهران: انتشارات مدرس.
۱۱. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۸۳). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۲. معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ لغت. تهران: انتشارات بهزاد.
۱۳. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۵). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۱۵. نجفی توانا، علی. و میلیکی، ایوب (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. تهران: جنگل.
۱۶. هدفمند نبی‌پور، هدایت‌الله (۱۳۸۸). حکم تزویر در شریعت اسلام کودکان جزای افغانستان. نشریه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۲(۵)، ۱۱۱-۱۳۴.

حق آموزش و تربیت کودکان در قوانین ایران با تأکید بر قانون اساسی

فاطمه سادات حسینی^۱، زهرا زندیه^۲

چکیده

ساختار حقوقی مهمترین نمود هر جامعه در رابطه با وضعیت کودکان همان جامعه است. تعلیم و تربیت کودک به دلیل تاثیرپذیری و انعطاف‌پذیری شخصیت او اهمیت بسزایی دارد و در تمام جوامع، فرهنگ‌ها و مذاهب توصیه شده است؛ زیرا تربیت از ارکان مهم سعادت بشر است که خانواده در آن نقش بسیاری ایفا می‌کند. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای باروش تحلیلی-توصیفی نوشته شده است و حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک براساس نظام حقوقی ایران، جایگاه تربیت، زمان آغاز تربیت، میزان آزادی والدین در انتخاب شیوه‌های تربیت کودک، حق استفاده از تنبیه و تأدیب کودک در امر تربیت را بررسی می‌کند. بررسی حقوق ایران نشان می‌دهد که تربیت کودک به طور صریح بعد از تولد او آغاز می‌شود. تأمین امکانات مربوط به نگهداری و تحصیلات اجباری، حق ملاقات و تنبیه کودک و اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان از حقوق و تکالیف والدین در این زمینه از منظر حقوق ایران است.

واژگان کلیدی: کودک، تربیت، آموزش، حق.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف و حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

بحث‌های مربوط به تربیت و آموزش کودکان از دیرباز مطرح بوده است. روش‌های تربیتی کودک در جوامع مختلف و زمان‌های متفاوت تنوع بسیاری داشته است. دیدگاه هر فرهنگ تاحدودی سمت‌وسودهنده تربیت کودکان در آن فرهنگ است. در دهه‌های اخیر مسئله تربیت کودکان بیشتر مطرح شده است و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری تألیف شده است. ازجمله کتاب آیین تربیت از ابراهیم امینی، کتاب علیه تربیت فرزند از آلیسون کوپینگ، کتاب صد نکته تربیتی درباره کودک از محمد مجدیان و کتاب کودک عاشق نوشته حمیده شیخی. اهمیت بررسی و مطالعه اقدامات حقوقی در عرصه کودکان از این نظر است که ساختار حقوقی مهمترین نمود هر جامعه در رابطه با وضعیت کودکان همان جامعه است. بنابراین، وقتی ساختار حقوقی یک جامعه، مبهم، ناشناخته، نامنسجم و حداقلی و یا جدا از بستر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی همان جامعه در طول تاریخ باشد بیانگر وضعیت نامناسب کودکان در آن جامعه است.

در نظام حقوقی ایران تربیت کودک اهمیت ویژه‌ای دارد، اما محیط اجتماع برای تربیت کودک محیط مناسبی نیست و دولت هیچ‌گاه پرستار شایسته‌ای برای وی نبوده است. نیازهای کودک در خانواده بهتر از هرجای دیگر تأمین می‌شود. خلأهای قانونی در این مورد و آسیب‌های اجتماعی کودکان ضرورت بررسی موضوع را در ارتباط با نظام حقوقی ایران دارد تا با بررسی حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک از او حمایت کند. تربیت فرآیندی مستمر و پیوسته است برای تزکیه و تهذیب فرد یا افراد و پرورش استعدادها برای رسیدن به هدف نهایی که این کمال در جهان بینی و مکتب کنونی همان قرب الهی است. عاملان تربیت هرکدام اهداف موردنظر خود را دنبال می‌کنند که متناسب با علایق و نگرش‌های آنها متفاوت است و کارهای آنها ممکن است به منظور تربیت پاک کودکان، مفید واقع شدن آنها برای جامعه، خیر دنیا و آخرت خود و آنها صورت می‌گیرد. کودک بعد از تولد مانند موم نرمی است

که می‌توان آن را به هر شکلی درآورد؛ یعنی هم می‌توان او را طوری تربیت کرد که به خلیفه‌الله در روی زمین تبدیل شود و هم می‌توان به وسیله تربیت بد او را پست‌تر از حیوان بارآورد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. کودک

کودک در لغت به معنای کوچک، صغیر، فرزندى که در حد بلوغ نرسیده، است. (حسینی دشتی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۷؛ معین، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲) در قانون مدنی ایران تعریفی از کودک ارائه نشده است، ولی در اصطلاح حقوقی به پیروی از فقه، کودک به کسی می‌گویند که از نظر سن به بلوغ جسمانی و دماغی لازم برای زندگی اجتماعی و خانوادگی نرسیده باشد. ملاک اصلی برای تعیین دوره کودکی، سن شخص است که براساس نظر مشهور فقها و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای پسران تا ۱۵ سالگی و برای دختران تا ۹ سالگی ادامه دارد. هرچند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی برای سن کودک و نوجوان تقسیم‌بندی دیگری نیز دارد به طوری که دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۸ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است. از طرف دیگر قوانین حقوقی و سیاسی ایران، پایان سن کودکی گوناگون بیان شده است.

۲-۲. تربیت

تربیت به معنای پروردن و پروراندن و آداب اجتماعی و اخلاق را به کسی آموختن و به طور کلی پرورش روحی و جسمی کودک است. (عطایی، ۱۳۸۴، ص ۸۹؛ عبادی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲) نکته مهم در تربیت، آماده‌سازی طفل برای زندگی اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۶۷۶). در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم اوست. تربیت شامل به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است (محمدنویسی، ۱۳۹۲، ص ۳۲). تربیت در اصطلاح حقوقی به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال است (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

۲-۳. حق آموزش

آموزش در لغت به معنای عمل آموختن تعلیم است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۸۹۲) آموزش به هرگونه فعالیت یا تدبیر ازپیش طراحی شده‌ای می‌گویند که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۴۰۲، ص ۱۵). حق آموزش را همگان دارند.

۲-۴. حق

حق یعنی، قدرت سلطه اقتدار و مجموعه قواعدی است که توسط مؤسسات اجتماعی یا دولتی برای تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می‌شود. (فتاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۸)

۳. جایگاه تربیت

انسان‌ها برای تحقق زندگی سعادت‌مند و همراه آسایش و آرامش و به دور از عوامل آسیب‌زا به طراحی نهادهای گوناگونی متوسل می‌شوند که هریک از آنها پایه‌ای لازم از بنای اجتماع انسانی را تشکیل می‌دهند. نقش تربیت در دستیابی آگاهانه و آزادانه انسان به هستی متعالی و جاودانه، مقام و جایگاه آن را تا بنیاد اجتماع بالا می‌برد و آن را به مشابیه فلسفه وجودی دیگر نهادهای اجتماعی جلوه‌گر می‌کند. از نظر اجتماعی، تمام نهادهای اجتماع برای تداوم و فراهم کردن لوازم و زمینه‌های حیات طیبیه انسان به فرایند تربیت نیازمندند؛ زیرا این فرایند با گسترش و تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی افراد و اعتلای تجارب متراکم اجتماعی و با ایجاد آمادگی در افراد جامعه برای تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، نقش اصلی را در تعالی بخشیدن به کیفیت حیات فردی و اجتماعی برعهده دارد. تربیت، محور اساسی ارتقای حیات انسان است. مصالح تربیتی باید در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی تأکید شود. کمک به فرایند تربیت، مهمترین معیار در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی است. (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵)

۴. مراقبت‌های دوران جنینی

در قوانین ایران، تکالیفی برای والدین در مراقبت‌های دوران جنینی که بر رفتار و خلق و خوی فرزند در آینده اثرگذار باشد به‌دست نمی‌آید. نبودن چنین قوانینی به‌معنای تکلیف نداشتن والدین نیست؛ زیرا باتوجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی در این زمینه باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر مراجعه کرد. در شریعت اسلام، تربیت کودکی که در آینده به‌وجود می‌آید مورد توجه قرار گرفته و مسئولیت‌هایی برای افرادی که قصد تشکیل خانواده و ایجاد نسل دارند بیان شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود (جایگاه مناسب) انتخاب کنید» (اخلاقی، ۱۳۸۹، ص ۵۷). رعایت اخلاق مباشرتی و توجه به تغذیه مادر پس از انعقاد نطفه در ایجاد زمینه‌های تربیت فرزند نیز به‌اندازه‌گزینش همسر مهم است. درباره آداب آمیزش و تأثیر آن بر روان و جسم فرزند دستورهایی آمده است. رعایت نکردن بسیاری از آداب تربیتی پیشوایان دین در هنگام آمیزش، موجب نارسایی‌های جسمی، روحی، معنوی و عقلی در کودک می‌شود. به‌دلیل تأثیر نوع تغذیه مادر در این دوران بر تربیت کودک، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و می‌فرماید: «بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت شده و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده است». مسئله تغذیه و تأثیر آن بر تربیت کودک تنها منحصر به مادر کودک نیست و به پدر نیز تسری پیدا می‌کند؛ زیرا لقمه ناپاک و حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کرده از راه آمیزش به جنین انتقال می‌یابد. بنابراین، پدر نقش اول را ایفا می‌کند. در مرحله دوم، مادر باید مراقبت‌های ویژه از جنین داشته باشد (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

۵. مراقبت و حضانت فرزند

حضانت، نگهداری و تربیت طفل به‌گونه‌ای است که صحت جسمانی، روحی، روانی و تربیت وی باتوجه به نیازهای او تأمین شود. بنابراین، مفاد مواد ۱۱۷۳، ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ قانون دولتی و سایر مقررات حمایت از خانواده، حق مراقبت در وضع زندگی و محیط زیست و رشد کودک را به والدین

داده‌اند. (صفایی، ۱۳۷۸، ص ۹۰) در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی درباره مسئولیت والدین بر حضانت کودک آمده است: «نگهداری از اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». بنابراین، ابوبین باید با همکاری یکدیگر از عهده وظیفه برآیند و اگر به هر دلیل جدا از یکدیگر زندگی کنند حضانت در هفت سال اول زندگی طفل از دختر یا پسر با مادر است و بعد از آن، پدر عهده‌دار حضانت است، ولی در صورت حدوث اختلاف با رعایت مصلحت طفل، دادگاه، حضانت را به پدر یا مادر طفل واگذار می‌کند (قانون مدنی، ماده ۱۱۶۹، اصلاحی ۱۳۸۲/۹/۸). در ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده نیز حضانت فرزندان که پدرشان فوت شده به مادر داده شده است مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد. در مواد ۴۰، ۴۱ و ۴۵ نیز ضمانت اجرای حضانت مشخص شده است.

براساس ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی چنانچه سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در خطر باشد محکمه می‌تواند بنا به تقاضای اقربای طفل یا قیم و یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای نگهداری طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. براساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد». قانون‌گذار در این ماده به طور ضمنی به این حق والدین اذعان کرده است.

۶. تأمین امکانات تحصیل فرزند

مسئله سواد و تحصیلات کودکان از مهمترین مسائل جامعه بشری است. اهمیت این موضوع از این‌روست که بی‌سوادی و حتی کم‌سوادی، ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. امروزه نقش علم و آگاهی از توسعه فنی، تکنولوژی، اقتصادی و اجتماعی جوامع به خوبی نمایان است. مقدمه کسب دانش و آگاهی نیز سوادآموزی و توانایی استفاده از زبان مکتوب جامعه است تا فرد از این راه با افکار و اندیشه‌ها، دانش و فنون، فلسفه و عقاید دیگران آشنا شود و آگاهی‌های خود را در زمینه‌های مختلف به دیگران انتقال دهد. اطفال بدون آموزش و پرورش نمی‌توانند در بزرگسالی به طور مفید، کار انجام دهند، مراقب تندرستی

خود باشند، از خود و خانواده‌هایشان حفاظت کنند یا زندگی فرهنگی غنی و پرمایه‌ای را بگذرانند. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳) برخورداری از تحصیل و آموزش، یکی از حقوق اساسی کودکان است و تدارک امکانات آموزشی و تربیتی اطفال وظیفه‌ای برعهده والدین است.

در حقوق ایران، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) در هر محل و موجبات فراهم شدن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است وجود دارد. پدر یا مادری که وظیفه نگهداری و تربیت کودک برعهده اوست وظیفه دارد درباره ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک خود اقدام کند و اگر از انجام این وظیفه خودداری کند وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل اقدام می‌کند. ماده ۳ آن نیز حمایت از حق آموزش در مراحل بالاتر از مقطع راهنمایی را وظیفه والدین می‌داند و ماده ۴ به ضمانت اجرای آن اشاره می‌کند. در حال حاضر، براساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) چنانچه والدین با وجود وظیفه و تکلیف قانونی خود، با اراده و تمایل موجب عدم تدارک امکانات تحصیل و آموزش فرزندان خود شوند به استناد ماده ۴ این قانون مسئولند و به مجازات مقرر محکوم می‌شوند. مضاف بر اینکه عدم تأمین وسایل و امکانات تحصیل برای اطفال و نوجوانان توسط والدین آنها در صورت منجر شدن به محکومیت قضایی ممکن است براساس ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲) محرومیت از حق قیومیت، نظارت یا اعمال حق ولایت را نیز در پی داشته باشد، ولی این قوانین در عمل متروک مانده است. (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳)

۷. حق تنبیه برای والدین

ادب و تأدیب دو اصطلاح همگون و هم خانواده که یکی به معنی تربیت کردن و دیگری به معنی تنبیه کردن است. ادب، نشان دادن راه و اصول صحیح زندگی است و یاد دادن شیوه رفتار با خود و دیگران. تأدیب به دو صورت امکان دارد تا وقتی که کودک از مسیر صحیح و راه درست زندگی منحرف شد او را بازگرداند و از ادامه راه نادرست بازدارد. یکی اینکه زشتی انحراف را به او

نشان دهند و دیگر اینکه با مقداری تنبیه بدنی که باعث صدمه دیدن نشود او را تأدیب کنند. (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۸، ص ۵۵). از آنجاکه فقه امامیه منشأ حقوق و قوانین داخلی است بررسی موضوع تنبیه در فقه امامیه ضروری است.

۷-۱. تنبیه از منظر فقه امامیه

۷-۱-۱. مقتضای اصل اولیه

مقتضای اصل اولیه، حرمت تنبیه کودک است؛ زیرا تنبیه مصداق آزار و اذیت است و اذیت ظلم است و ظلم حرام است. شکی نیست که زدن کودک غیرممیز از مصادیق ظلم است و از نظر عقلی جایز نیست، خواه تنبیه‌کننده پدر باشد یا دیگری. تنبیه کودک ممیز اگر برای تشفی دل و خاموش کردن آتش غضب باشد، جایز نیست، اما اگر برای تأدیب باشد ظاهر امر، جواز تنبیه است؛ زیرا یکی از وظایف والدین، تربیت و تأدیب فرزندان است. زدن کودک برای رسیدن به اهداف والا نه تنها ظلم در حق او نیست، بلکه احسان و موجب رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود. (گلپایگانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۲)

۷-۱-۲. مقتضای ادله شرعیه

بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی روایات دلالت بر منع تنبیه بدنی دارند مانند این روایت: «مردی از اصحاب امام کاظم علیه السلام نزد ایشان آمد و از سوء اخلاق فرزندش شکایت کرد. امام علیه السلام فرمود: او را زن، با او قهر کن و قهر را طولانی نکن». روایاتی که دلالت بر مقدار ضرب کودک دارند (مجلسی، ۱۴۴۰، ص ۹۹) به دلالت التزامی، جواز ضرب کودک را می‌رسانند و این جواز در رأی فقهای بسیار دیده می‌شود (صمیری، ۱۴۲۰، ۳۳۵/۲؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۲، ۴۵۴/۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۵۹/۱۶). جمع عرضی آنها بنا را بر اصل منع تنبیه و اکتفا کردن به موارد ضروری تنبیه گذاشتند و نتیجه نهایی آن، جواز تنبیه بدنی در مراحل ثانویه با محدودیت مقدار ضرب توسط ولی کودک است (حلی (محقق)، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶).

از آنجا که مقتضای قاعده اولیه، حرمت تنبیه است در تمام موارد خارج از محدوده مشخص شده در روایات، حکم تنبیه بدنی کودک حرمت دارد و تخطی از قیود مندرج در روایات وجه شرعی ندارد. این قیود را که محدوده و گستره تنبیه بدنی کودک توسط والدین است، می‌توان ذیل چهار قید دسته‌بندی کرد که قید اول مربوط به نوع خطای کودک، قید دوم مرتبط با سن کودک، قید سوم مرتبط با شدت تنبیه و قید چهارم مرتبط با انگیزه تنبیه است.

قیدهای اول و دوم (محدودیت تنبیه از نظر نوع خطا و سن کودک)

بنابر روایات، صلاحیت والدین در ضرب اولاد تنها در موارد استنکاف از خواندن نماز در سن هفت، هشت یا ده سالگی است. چنین تنبیهی برای کودکان کمتر از هفت سال به هیچ وجه تجویز نشده است و والدین در موارد دیگر حق تنبیه بدنی فرزندان خود را ندارند. قید سوم (محدودیت تنبیه از نظر شدت تنبیه)

با مراجعه به روایات مندرج در کتاب دیات معلوم می‌شود که برای همه آسیب‌های بدنی میزان خاصی از دیه تعیین شده است، حتی برای سرخ شدن، سیاه شدن و کبود شدن بدن. در این موارد مهمترین روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است و براساس آن، قانون مجازات اسلامی در ماده ۷۱۴ مقرر می‌دارد که دیه صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می‌شود به شرح زیر است:

الف) سیاه شدن پوست صورت، شش هزارم، کبود شدن آن، سه هزارم و سرخ شدن، یک و نیم هزارم دیه کامل؛

ب) تغییر رنگ پوست سایر اعضا حسب مورد، نصف مقادیر مذکور در بند الف. پس رفتارهای عمدی والدین در آسیب رساندن به فرزندان در حد سرخ، کبود یا سیاه شدن بدن فرزند از نظر شرعی، حرام است.

به همین دلیل شارع مقدس برای این امر ضمانت اجرای مالی تعیین کرده است. اگر این امر جایز و مباح بود تعیین ضمانت اجرا برای امری جایز معنا نداشت.

قید چهارم (محدودیت تنبیه از نظر انگیزه تنبیه‌کننده)

در این مورد روایتی از پیامبر ﷺ در کتب مختلف روایی نقل شده است: «نهی رسول الله ﷺ عن الادب حين الغضب؛ پیامبر ﷺ افراد را از ادب کردن و تأدیب سایرین در هنگام غضب بر حذر داشت». (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۶۰/۷) این روایت توانایی آن را دارد با ایجاد نهی بر والدین، تأدیب فرزندان در هنگام غضب و برای فرونشاندن عصبانیت با منع شرعی و قانونی مواجه کند.

۷-۲. تنبیه بدنی از منظر قوانین داخلی

در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی آمده است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند، ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه کنند». در ماده ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰/۹/۷) و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب (۱۳۱۴/۱/۱۹) از شمول این قانون مستثنی شده است. در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) آمده است: «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود مشروط بر این است که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد». در تنبیه و تأدیب جایی برای خشونت و اذیت و آزار روحی و جسمی نیست. اگر والدین پس از پند و نصیحت و بر حذر داشتن و ترغیب کردن، تأدیب فرزند خود را در تنبیه بدنی او بیابند و به استناد این ماده از قانون مدنی دست به این تنبیه بزنند، لازم است تنبیه با رعایت سه شرط مذکور در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد (وکیلان، ۱۳۸۰، ص ۲۰). با هر نوع تنبیهی که باعث آسیب جسمانی کودک شود دیه ثابت می‌شود. در مورد خشونت روحی، قانون خاصی وجود ندارد و احراز آن چندان ساده نیست (مصفا و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). تنبیهی که از مصادیق خشونت باشد از موانع اجرای حق سرپرستی والدین است (قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳).

۸. نتیجه‌گیری

تربیت، محور اساسی ارتقای حیات انسان است و در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید به مصالح تربیتی تأکید شود. کمک به فرایند تربیت از معیارهای مهم در تعیین اولویت‌های اجتماعی است. حق والدین بر تربیت کودک از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران است. گستره اعمال این حق نیز مانند بسیاری از حقوق انسانی مطلق نیست و محدودیت‌های قانونی بر آن وارد می‌شود. این محدودیت‌ها از تزامن حق والدین بر تربیت کودک با بعضی از حقوق جسمانی و معنوی کودک ناشی می‌شوند.

والدین در اعمال حق خود در تربیت کودک با محدودیت‌هایی مثل محدودیت‌های جسمانی مواجه‌اند؛ مانند منع تنبیه بدنی. حقوق و تکالیف والدین در تربیت کودک به‌طور صریح از دوران بعد از تولد در حقوق ایران مطرح شده است. اولین تکلیف والدین در حقوق ایران، حضانت کودک است که در صورت زندگی مشترک برعهده هردوی آنهاست و در صورت جدایی در هفت سال اول، زندگی طفل با مادر و بعد از آن با پدر خواهد بود.

کودکان حق دارند که در طول زندگی از حضور والدین خود استفاده کنند و نمی‌توان این حق را از کودک سلب کرد مگر به حکم قانون. آموزش و پرورش کودک، تکلیف والدین برای تربیت وی در نظام حقوقی ایران است. در بحث حقوق والدین، قانون‌گذار به تنبیه کودک، اطاعت کودک از والدین و احترام به ایشان توجه کرده است. ازمنظر فقه امامیه، والدین حق تنبیه بدنی کودک را تنها با شرایط و قیود مشخص شده در روایات دارند. این قیود را که محدوده و گستره تنبیه بدنی کودک توسط والدین است، می‌توان ذیل چهار قید دسته‌بندی کرد که قید اول مربوط به نوع خطای کودک، قید دوم مرتبط با سن کودک، قید سوم مرتبط با شدت تنبیه و قید چهارم مرتبط با انگیزه تنبیه است. سازوکارهای حقوقی در نظام قضایی ایران باید برای اعمال محدودیت‌های فوق‌الذکر بر تنبیه بدنی کودکان تنظیم شوند و نقش پیشگیرانه و کنترل‌کننده مؤثری داشته باشند.

فهرست منابع

۱. اخلاقی، اسماعیل (۱۳۸۹). نقش دین در تربیت فرزندان. قم: نشریه علوم قرآن و حدیث فرهنگ کوثر.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۸). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۳. بیگی، جمال (۱۳۸۴). بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: نشر میزان.
۴. پوراسدی، محمد، و هاشمی، مجید (۱۳۹۱). بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت. نشریه مطالعات پلیس زن، ۶(۱۶)، ۵۴-۸۱.
۵. جوادی، سید معین، و فتحی، صبور (۱۳۹۴). حضانت و حقوق دعاوی راجع به آن. تهران: انتشارات مجد.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۰۴۹). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).^۱
۷. حسین دشتی، سید مصطفی (۱۳۹۳). معارف و معاریف. قم: انتشارات دارالفکر.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه.
۹. سیف، علی اکبر (۱۴۰۲). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر دوران.
۱۰. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. صفایی سید حسین، و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. صفایی، سید حسین، و امامی، اسدالله (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
۱۳. صفایی، سید حسین، و امامی، اسدالله (۱۳۸۲). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
۱۴. صمیری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰). غایه المرام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالهادی.
۱۵. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عبادی، شیرین (۱۳۲۸). حقوق کودک (نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران). تهران: انتشارات کانون.
۱۷. عطایی، زهرا (۱۳۸۴). حقوق کودک. تهران: انتشارات سامان دانش.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات شهرزاد.
۱۹. فتاحی، کامران (۱۳۹۴). حقوق اساسی. تهران: انتشارات خرسندی.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق مدنی خانواده. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۲۱. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲۲. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲). الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۴. محمدی نویسی، فاطمه (۱۳۹۲). تربیت کودک از نگاه نبوی. بی‌جا: بی‌نا.
۲۵. مصفا، نسرین، و دیگران (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۷. مکرم، علی (۱۳۹۲). نرم افزار بانک اطلاعات آراء دادگاه‌ها و نظریات مشورتی. رشت: مکرم.
۲۸. موسوی زنجانرودی، سید مجتبی (۱۳۷۸). تربیت مذهبی کودک. قم: میثم تمار.

تأثیر دین در حقوق بین الملل بشردوستانه با تأکید بر قوانین جنگ در اسلام

زهرا کتانی^۱، زهرا رضایی آهوانویی^۲

چکیده

یکی از مهمترین اهداف وضع قوانین بین الملل، ایجاد رفتار انسانی و بشردوستانه بین کشورهای مختلف در شرایط مختلف و یکی از مهمترین اهداف دین، تنظیم روابط انسان با سایر افراد بشر است. از این رو، قوانینی برای تنظیم روابط انسان در هنگام صلح و جنگ مقرر شده است. دین اسلام با توجه به این غنا می تواند ادعا کند که امروزه می تواند تأثیر زیادی بر این روابط داشته باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بیان بخشی از این قوانین در حیطه قوانین جنگ است. رعایت قوانین انسانی در جنگ مانند چگونگی رفتار با دشمن، رفتار با زنان و کودکان، رفتار با محیط زیست و قوانین بعد از پایان جنگ مانند رفتار با اسرا و مجروحان، بیانگر ماهیت قوانین اسلامی در برخورد با دیگران و غنای آن برای تأثیرگذاری در قوانین و حقوق بین الملل حال حاضر است.

واژگان کلیدی: قوانین بشردوستانه، حقوق بین الملل، جنگ، اسلام.

۱. مقدمه

تفاوت اسلام با دیگر ادیان آن است که علاوه بر اینکه دین است، شریعت هم است. اسلام قوانینی دارد که فعالیت های زندگی انسان مانند چگونگی رفتار با دیگر ملت ها در هنگام صلح و جنگ را دربرمی گیرد. امروزه وضعیت رفتارهای غیرانسانی به ویژه در هنگام جنگ نیاز قوانین

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی - تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

بین الملل انسان دوستانه را به دلیل ماهیتش که پشتوانه اجرایی قوی تری در بین انسان ها به امری مانند شریعت بیشتر کرده است. پژوهش های فقهی و تاریخی بسیاری، مسئله قوانین جنگ در اسلام را بررسی کرده اند مانند کتاب جنگ و صلح در اسلام از مجید خدوری و حیدرآبادی که با بررسی تاریخی جنگ های زمان پیامبر ﷺ به این قوانین می پردازد. کتاب آثار الحرب فی الفقه الاسلامی نوشته هبه زحیلی از نظر فقهی به این قوانین می پردازد. مقاله قوانین و مقررات کلی جنگ و دفاع در اسلام نوشته علی شوشتری نیز از این موارد است. کتب سیره نبوی و تاریخ اسلام نیز بخشی را به این امر اختصاص داده اند. به دلیل غنای قوانین جنگ با محوریت اخلاق و انسانیت در اسلام پرداختن به این حیطه به صورت مستقل و جزئی تر و بررسی تفصیلی آن امری لازم و ضروری است تا جایگاه این قوانین و اهمیت آن در دنیای معاصر بیشتر نمود کند. نوشتار حاضر پس از تبیین چگونگی تنظیم روابط انسان توسط دین اسلام در قالب هدف اصلی، قوانینی که اسلام به صورت لازم الاجرا در هنگام جنگ برای تنظیم رابطه انسان با دیگران و حتی محیط زیست قرار می دهد را به صورت کاربردی تبیین می کند و به معرفی منبعی غنی برای نجات از هتک حرمت انسانیت و گنجاندن آن در قوانین حقوق بین الملل معاصر می پردازد. قوانین بشر دوستانه اسلامی در هنگام جنگ به چهار بخش تقسیم می شود: موارد مشروعیت جنگ در اسلام؛ روش اعلام جنگ در اسلام؛ رفتار مسلمانان در هنگام جنگ؛ چگونگی رفتار با اسیران و احکام غنائم جنگی.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. حق

حق در لغت به معنی راست، درست عمل کنید و اختیاری که در طبیعت قانون و یا عرف وجود دارد، است. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۶۰) برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماعی، برای هر فرد امتیازهایی در برابر دیگران است که توان خاصی به او می بخشد؛ این امتیاز و توانایی را حق می گویند. جمع آن حقوق است و به آن حقوق فردی نیز گفته می شود. حق حیات، حق

مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت از این موارد است. به اعتبار معنی اخیر است که این حقوق به معنای حقوق بشر، حمایت می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱). حق در اصطلاح عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند. آزادی عمل، رکن اساسی حق در این تعریف است؛ یعنی انسان‌ها در انجام یا عدم انجام آن عمل آزادند (امامی، ۱۳۷۳، ۱/۱۲۵).

۲-۲. حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد حقوق بین المللی است که با تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه از بین المللی و غیر بین المللی تکالیف افراد و کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می‌کند. حقوق بشردوستانه، حقوق انسانی در زمان جنگ است. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۲۳)

۲-۳. اسلام

واژه اسلام مصدر باب افعال از ماده (س - ل - م) به معنای صحت، عافیت و دوری از هرگونه عیب و نقص و فساد است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۶/۳۴۵) در باب افعال به معنای انقیاد، اطاعت کلی و بی قید و شرط و تسلیم محض بودن است (ایزوتسو، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶). اسلام در اصطلاح، معنای عام و خاصی دارد که معنای مورد نظر در پژوهش حاضر، معنای خاص تر اسلام است. این واژه به معنای آخرین شریعت الهی است که حدود چهارده قرن پیش به مردم ابلاغ شده است. علت نام گذاری شریعت خاتم به اسلام این است که در این دین، بنده تسلیم اراده خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱/۳۰۱).

۲-۴. جنگ

رفتارهای خصمانه در طول تاریخ به ویژه در میان گروه‌ها و دولت‌های رقیب و هم جوار به اشکال گوناگون بروز می‌کند و از منظر اهداف و انگیزه‌ها گاه فتنه جویانه و گاه عدالت طلبانه است. (ابن خلدون، ۱۳۸۳، ۱/۲۷۱) جنگ از نقطه نظرهای متفاوت سیاسی، حقوقی، اجتماعی، تاریخی

و... بررسی شده است. از نظر حقوق، برخی آن را پدیده‌ای فراتر از حقوق و شماری دیگر، بیگانه از حقوق می‌دانند، اما به نظر بسیاری از آنها جنگ واقعی است که مفهوم حقوقی دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳، ۴۴/۱).

۳. نقش تعالیم اسلام در تنظیم روابط انسان

دین مجموعه مناسک مربوط به یک باور خاص در زمینه ارتباط معنوی انسان با خداست. دین اسلام در این زمینه با سایر ادیان متفاوت است به طوری که این رابطه را تنها محدود به رابطه انسان با خالق نمی‌داند، بلکه این رابطه را به رابطه خود با خودش و دیگران و سایر مخلوقات تعمیمی می‌دهد. ادیانی که امروزه شناخته می‌شوند یا الهی و آسمانی‌اند یا مکاتب فلسفی و اصلاحگری هستند که دین بودایی از جمله آنهاست.

۳-۱. رابطه انسان با خود و خدا

تا وقتی انسان در درون خود به صلح و آرامش نرسد قادر نخواهد بود که این صلح را در جامعه پیاده کند. پیامبر ﷺ در گام نخست به نهادینه کردن مبادی صلح در دل‌های افراد جامعه پرداخت و این مسئله تأثیر زیادی در ایجاد صلح در جامعه اسلامی داشت. انسان به صورت فطری خشمگین می‌شود، عصیان می‌کند با مردم وارد درگیری، نزاع، کینه، نفرت و دشمنی می‌شود. بنابراین، بسیار ضروری است که ریشه این عصیان و عدم صلح در ابتدا از درون او و سپس از رفتارهای ظاهری او ریشه کن شود و این امر با تلقین اینکه او انسانی است آرام محکم عاقل متفکر در وجود او رسوخ می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲) این آموزش و تلقین رسول خدا به مسلمانان مبنی بر آراستگی به صفت‌های صلح و پرهیز از خشونت به گونه‌ای که بر اثر ممارست بر آن از دو خاصیت مهم موجود در بین مسلمانان باشد آثار مثبتی برجای گذاشت که صلح و پرهیز از خشونت است.

اسلام در ابتدا صلح و آرامش را در نهان انسان با ایجاد سازش میان قوای درونی و ارضای خواسته‌های طبیعی تحت حاکمیت عقل و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌آفریند. از طرفی

آنچه که باعث می شود که انسان در سایه آن به صلح دورنی برسد تنظیم روابطش با خالق هستی است. در سایه این ارتباط است که انسان می تواند به مبارزه با نفس پردازد و بر عصیان درونی فائق آید. خداوند در سوره بقره تمام مؤمنان جهان را به صلح، آشتی و آرامش دعوت می کند: «یا ایها الذین آمنوا اذخلوا فی السّلم کافّةً ولا تتَّبِعُوا حُطُواتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ» (بقره: ۲۰۸). از مفهوم این آیه چنین استفاده می شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و تنها باتکیه بر قوانین مادی هرگز جنگ، ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد؛ زیرا عالم ماده و علاقه به آن همواره سرچشمه کشمکش ها و درگیری هاست و اگر نیروی معنوی ایمان، انسان را کنترل نکند صلح غیرممکن است، بلکه می توان گفت از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می کند، استفاده می شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار شود، امکان پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۸۲) و اولین دعوت پیامبر ﷺ دعوت به ایمان به خدای واحد است که در پرتو این امر صلح همگانی تحقق می یابد.

۳-۲. رابطه انسان با انسان

انسان مدنی بالطبع است و با اجتماعی زندگی کردن به رشد و تعالی می رسد. انسان با اعمال و خواسته های نامحدود خود به دنبال منافع شخصی خود است. بنابراین، خود قادر نخواهد بود که توافق اجماعی از نظر منافع همه ایجاد کند.

۴. قواعد انسانی رفتار مسلمانان در هنگام جنگ

چگونگی رفتار مسلمانان در هنگام جنگ در اسلام مجموعه ای از توصیه های اخلاقی نیست، بلکه قوانینی است که در کتاب و سنت وجود دارد و مسلمانان ملزم به رعایت آن می باشند و عدم رعایت آنها در هنگام جنگ عقاب و بازخواست دنیوی و اخروی دارد. برخی از این قوانین عبارتند از:

در اسلام کشتن بدون دلیل شرعی جایز نیست چنانچه در قرآن آمده است: «و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید» (انعام: ۶). در هنگام جنگ و کشتن نیز به شدت از زیر پا گذاشتن اصول انسانیت منع شده است. بی احترامی به اجساد و مثله کردن آنها جایز نیست. در حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ آمده است: «من پیامبر ﷺ رحمتم، من پیامبر حماسه هستم من با شعار جهاد برانگیخته شده‌ام نه برای کشت و کشتار» (سلمی، ۱۹۹۳، ۱/۱۰۵). یکی از مسائلی که به شدت در جنگ از آن نهی شده مثله کردن جسد میت است. مثله کردن جنازه دشمن یکی از مسائلی است که در نبردهای غیرالهی کم و بیش مشاهده می‌شود. برخورد مشرکان مکه با برخی از شهدای احد از جمله حمزه، عموی رسول خدا ﷺ نمونه‌ای از آن است. این کار به دلیل احترام به انسانیت انسان و احترامی که جنازه انسان دارد توسط پیامبر ﷺ و در تعالیم اسلام نکوهش شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «بپرهیزید از مثله کردن حتی اگر سگ هاری باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۶/۴۲).

- سوزاندن جسد در اسلام ممنوع است و هیچ استثنایی در این امر وجود ندارد مگر اینکه مصلحت عامه‌ای اقتضای این امر را بکند مانند ترس از انتقال بیماری‌هایی مانند وبا. لازم است که انسانیت انسان و کرامت او حفظ شود. در قرآن آمده است: «و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم» (اسراء: ۱۷). این امر در بین علمای شیعه و سنی محل اتفاق است. فخر رازی در تفسیر آیه بالا می‌گوید: «نفس انسانی شریف‌ترین نفس‌ها در این عالم و بدن انسان نیز شریف‌ترین بدن‌ها در این عالم است» (الرازی، ۱۳۵۶، ۱۴۶/۲۸).

۴-۱. ممنوعیت جنگ با زنان و کودکان

رسول خدا در هنگام جنگ مویه به زید بن حارثه توصیه می‌کند که: «نوزادان و زنان و پیرمردان و بیماران و کسانی که به کلیساها پناه برده‌اند را نکشید» (الزمالی ۱۹۹۳، ص ۱۰) همچنین پیامبر ﷺ دستور می‌داد که نباید به کودکان و کارگران زمینهای کشاورزی آسیب رساند همچنین پیامبر ﷺ بیان می‌کرد که زنان را در جنگ نکشید مگر اینکه سلاح به دست بگیرند

و با سپاه اسلام بجنگند چنانچه پیامبر ﷺ جسد زنی از مشرکان که کشته شده بود دید گفت و کسی را که دستور قتل این زن و قاتل او را سرزنش کرد و فرمود «این زن نمی جنگید».

(السعدنی، بی تا، ص ۲۰۷).

۴-۲. ممنوعیت پیمان شکنی و شبیخون زدن در جنگ

پیامبر ﷺ حتی در حالت شک به سوءنیت دشمن، مسلمانان را از بی اخلاقی و خیانت منع می کرد. آیه ۵۸ سوره انفال مسلمانان را از این عمل باز می دارد: «و چنانچه از خیانت کاری گروهی (از معاهدین خود) سخت می ترسی تو نیز با حفظ عدل و درستی، عهد آنها را نقض کن که خدا خیانتکاران را دوست نمی دارد» (انفال: ۵۸). پیامبر ﷺ نیز بارها بر ضرورت وفای به پیمان تأکید کرده است و می فرماید: «مردم هرگز هلاک نمی شوند مگر آنکه به خیانت و پیمان شکنی افتند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳، ۴۴۴/۳). پیامبر ﷺ علاوه بر اینکه خود متعهد به پیمان در جنگ بود و مسلمانان را به این امر توصیه می کرد با پیمان شکنان به ویژه برای حفظ مصلحت عامه جامعه به شدت برخورد می کرد همان طور که در سرنوشت یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر این برخورد پیامبر ﷺ دیده می شود (ابن هشام، ۱۳۸۴، ۷۶/۲ - ۷۷). توصیه های حضرت به اسامه بن زید در هنگام حرکت به سوی شام و تأکید ایشان بر منع از حيله و غدر، شاهد دیگری بر رعایت اصول انسانی و ممنوعیت حيله و غدر در جنگ در سیره پیامبر ﷺ است. امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر ﷺ به هیچ گروهی شبیخون نزد» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۲۸). پیامبر ﷺ از جنگ غافلگیرکننده منع می کرد و به پرهیز از بکارگیری مکروه حيله در هنگام جنگ توصیه می کرد. ایشان در یکی از سربیه ها به امام علی علیه السلام تأکید کرد که به مقابله رویارو با دشمن پردازد و غافلگیرانه به آنها حمله نکند: «ابتدا آنها را دعوت کن و یا به آنها اعلام کن تا جنگ غافلگیرانه نباشد» (ابن سلمه، بی تا، ۲۰۷/۳؛ صالح شامی، ۱۴۱۴، ۱۱۵/۹). پیامبر ﷺ برای در امان ماندن غیرنظامیان و تشخیص نظامیان در جنگ اقداماتی انجام می داد. برای مثال ایشان هنگام ورود به مکه با دادن پرچم که نماد نظامیان بود

به دست برخی از فرماندهان و روانه کردن سپاهیان به دنبال آنها نظامیان خود را از غیرنظامیان تفکیک کرد. حتی برخی از فرماندهان که این روز را روز انتقام دانسته و با این شعار وارد مکه می شدند از سوی رسول خدا ﷺ برکنار شدند (ابن هشام، ۱۹۸۵، ۲/۴۰۵).

۴-۳. ممنوعیت از بین بردن اموال و ویرانی

حفظ امور مربوط به مصلحت عامه مردم از مواردی است که در اسلام از تخریب و آسیب رساندن به آن به شدت منع شده است. در اسلام قطع درختان بارور، سوزاندن نخل‌ها و کشتن چهارپایان ممنوع است. (واقدی، ۱۳۶۹، ۲/۷۵۷) فقهای اسلام درباره اصل جلوگیری از تخریب غیرضروری، متفق‌الرأی هستند. فقهای مؤسس چهار مذهب به موجب احکام قرآن و سنت پیامبر از این عقیده به شدت دفاع می‌کنند (القرطبی، ۱۳۲۵، ۱/۲۶۶).

۴-۴. امان دادن به سپاهیان دشمن

تا اوایل قرن بیستم، در جنگ‌های رخ داده در اروپا مسئله‌ای به نام وجوب احترام به امان خواستن سربازان دشمن شناخته شده نبود. این مسئله بعدها در کنوانسیون لاهه سال ۱۸۹۹، با عنوان لایحه جنگ‌های زمینی تصویب شد. در اسلام از بدو ظهور این دین به این مسئله اشاره شده و بر به کار بردن آن تأکید شده است. این امر ریشه در تعالیم قرآنی دارد. «و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان؛ زیرا این مشرکان مردمی نادانند» (توبه: ۶).

۴-۵. توقف نبرد در صورت درخواست دشمن

در دین اسلام، جنگ هدف و غایت نیست، بلکه وسیله‌ای برای برپاداشتن حق و مبارزه با باطل است. بنابراین، اسلام در صورت درخواست و تمایل دشمن برای توقف نبرد آن را می‌پذیرد. چنانچه شأن نزول آیه ۶۱ سوره انفال دلالت بر این امر دارد: «و اگر آنها به صلح تمایل شدند تو هم به صلح تمایل نشان بده و بر خدا توکل کن؛ زیرا او همان شنوای داناست» (انفال: ۶۱) (شحاته، ۱۴۲۲، ص ۱۸).

۵. حقوق اسرا و اخلاق تعامل با آنها

گرفتن اسیران جنگی به صورت غنیمت از دوران قدیم معمول بوده است. (واکر، ۱۳۹۷، ۶۱/۱) باوجود آنچه در کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد رفتار با اسیران جنگی تصریح شده بود وضعیت اسرا در جنگ جهانی دوم وخیم و تأسف بار گزارش شده است (روسر، ۱۹۸۲، ص ۱۰۱). پس از پایان جنگ جهانی دوم با تدوین کنوانسیون سوم ژنو و پروتکل ضمیمه آن، قوانین جدیدی در مورد اسیران جنگی وضع شد. اسلام برای برخورد با اسرای جنگی قوانینی دارد که در ابعاد مختلف بررسی می شود. یکی از واجبات اسلامی، حسن رفتار با اسیران است و آزار و اهانت به آنها حرام است. پیامبر ﷺ در برخورد با اسرا اصل کرامت و حرمت انسانی را رعایت می کرد. در جنگ بدر باوجود اینکه اسرای بدر از سرسختترین دشمنان اسلام بودند درقبال فدیة آزاد می شدند. فدیة کسانی که پولی نداشتند آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان بود (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳).

پیامبر ﷺ فرمود: «با اسیران خوب رفتار کنید». (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ۱۱۹/۲) علاوه بر سیره پیامبر ﷺ در سخنان اهل بیت (علیهم السلام) نیز مدارا و حسن تعامل به اسیر توصیه شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «باید اسیر را غذا و آب داد و با او با مدارا رفتار کرد هرچند قصد، کشتن او باشد» (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲). براساس قوانین اسلام نباید اسیر را مورد آزار قرار داد و کرامت او باید حفظ شود (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷). معامله و برخورد انسانی و اخلاقی با اسرا در اسلام با موارد زیر حاصل می شود:

۵-۱. زمان اسارت

یکی از قواعد و بدیهیات نظامی مورد اتفاق امروز این است که زمان اسارت پس از پایان جنگ است و هنگام پیشروی و مقابله با دشمن نیست: «هیچ پیامبری حق اسیر گرفتن ندارد مگر بعد از آنکه در آن (منطقه و) زمین، غلبه کامل یابد» (انفال: ۶۷). اسیر گرفتن قبل از پایان جنگ در اسلام جایز نیست (نجفی ۱۳۹۲، ۱۲۳/۲۱).

۵-۲. غذا دادن به اسیر

قرآن کریم اطعام اسرا را از رفتارهای اخلاقی مسلمان واقعی می‌داند: «و به (پاس) دوستی (خدا) بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند». (دهر: ۸) ابوعزیز بن عمیر که در جنگ بدر اسیر شده بود از حسن تعامل مسلمانان با او و دادن غذای خود به او به خاطر توصیه پیامبر ﷺ در مورد اسرا سخن گفت (طبری، ۱۳۶۲، ۱۵۹/۲). از این رو، فقها بر وجوب تأمین غذای اسرا بر مسلمانان اتفاق نظر دارد (محقق حلی، ۱۳۸۵، ۲۰۷/۲).

۵-۳. مکان نگهداری اسرا

ماده ۲۵ کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۷۰ میلادی مقرر می‌دارد: «محل سکونت زندانیان باید مشابه اردوگاه‌های نیروهای جنگی که آنها را به اسارت درآورده‌اند، باشد و لزوم رفتار درست با آنها به طوری که به سلامت آنها آسیبی وارد نشود». پیامبر ﷺ محل نگهداری اسرا را مساجد یا خانه‌های مسلمانان قرار می‌داد (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲). با این تصمیم، اسرا در محل زندگی با مسلمانان شریک و با آنها تعامل می‌کرد و برخی از اسرا نیز در خانه پیامبر ﷺ زندگی می‌کردند (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲؛ زحیلی، ۱۴۱۹، ص ۴۰۹).

۵-۴. قوانین آزادی اسرا

آزادی اسرا براساس قوانین اسلام به سه صورت انجام می‌شود: آزادی بدون قید و شرط (مغنیه، ۱۳۷۹، ۲۷۳/۲)؛ آزادی با مبادله اسراء. پیامبر ﷺ عمر بن ابی سفیان را با سعد بن نعمان بن اکال مبادله کرد (طبری و دیگران، ۱۳۶۲، ۹۸۹/۳)؛ آزادی با پرداخت فدیة (آیتی و گرجی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۹). در جنگ بدر با وجود اینکه اسرای بدر از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند آنها را در قبال فدیة آزاد می‌کردند. فدیة کسانی که پولی نداشتند آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان بود (واقعی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳).

۵-۵. قوانین مجروحان و کشته‌شدگان جنگ

قوانین حقوق اسلامی، اجازه کشتن مجروحان سپاه دشمن را به رزمندگان نمی‌دهد. (محقق حلی، ۱۳۸۵، ۲۰۷/۹) برخی از فقها به لزوم بازگرداندن اسرا به کشورهايشان فتوا می‌دهند (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۲۸/۲۱). همچنین باید از روی لطف و احسان به مداوای آنها پرداخت. امام علی علیه السلام دستور انتقال مجروحان خوارج که تعدادشان چهل نفر بود را از صحنه جنگ داد. همچنین دستور داد آن دسته از مجروحان که توان داشتند را چه قابل درمان بودند چه نبودند نزد خانواده‌هایشان برگردانند (نجفی، ۱۳۹۲، ۷۸/۲۱). قانون اسلامی به هیچ‌وجه اجازه هتک حرمت، سوزاندن یا مثله کردن اجساد دشمن را نمی‌دهد (النجار، ۱۳۹۳، ص ۱۶) امام علی علیه السلام فرمود: «مثله کردن جسد حرام است، حتی اگر سگ هار باشد» (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۲۸/۲۱). این حکم در مورد زمان جنگ و بعد از آن ثابت است. روش و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر این است که به سپاه دشمن اجازه می‌داد اجساد کشته‌شده‌های خود را از صحنه جنگ منتقل کنند. اگر این کار را نمی‌کردند براساس برخی آرای فقهی، دفن آن اجساد واجب بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بدون اینکه از کافر بودن و مسلمان بودن جسدی که در راه بوده است، پرسش کند دستور دفن آن را داد (زحیلی، ۱۴۱۹، ص ۴۸۸).

۶. نتیجه‌گیری

همه ادیان، منبعی برای قواعد حقوق بشرند که امروزه به‌طور مستقیم با متون دینی خود شناخته می‌شوند مانند قرآن کریم: «هل جزاء الإحسان الا الإحسان» (الرحمن: ۶۰)، یا به شکل غیرمستقیم و با تعالیم اخلاقی و رفتارهایی که این ادیان به آنها دستور داده است. در مکتب بودا قانون خودداری از کشتن پناه‌جویان به معبد مشاهده می‌شود. نکته مهم و شاخصی که دین اسلام را از سایر ادیان متمایز می‌کند برنامه جامع و کاملی است که روابط اصلی انسان را تنظیم می‌کند و جزئیات آن را در قالب قوانینی برای او تبیین و واجب‌الاجرا می‌داند تا مسیر طی کردن سعادت را به او نشان دهد. بحث قوانین جنگی و قرار دادن اصل انسانیت در رأس آن و

تمرین عملی آن که توسط سنت پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام و سخنان آنها آموزش داده شده است چنین قوانین جامع و کامل و انسانی را به وجود آورده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳). تاریخ ابن خلدون. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. ابن سلمه، احمد بن محمد (بی تا). شرح معانی الآثار. محقق: مسعد عبدالحمید محمد السعدنی. قاهره: دارالطلائع.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: انتشارات ادب الحوزه.
۴. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۸۴). سیره النبویه. مترجم: رسولی محلاتی، سیدهاشم. تهران: انتشارات کتابچی.
۵. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
۶. ابن هشام، عبدالملک (۱۹۸۵). السیره النبویه. محقق: مصطفی السقا. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۷. ابی اسامه، حارث (بی تا). بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث. محقق: مسعد عبدالحمید محمد السعدنی. قاهره: دارالطلائع.
۸. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۰). الانسیر فی الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. امامی، حسن (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۰. آینی، ابراهیم، و گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). تاریخ پیامبر ﷺ اسلام. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. ایوزتسو، توشیهیکو (۱۳۷۴). خدا و انسان در قرآن. مترجم: آرام، احمد. تهران: نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۳). سیره نبوی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۳. الذهبی، شمس الدین (۱۴۰۷). تاریخ الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. روسر، شارل (۱۹۸۲). قانون حقوق المنازعات المسلحة. بیروت: انتشارات الاهلیه.
۱۵. زحیلی، وهبه (۱۴۱۹). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی. دمشق: دارالفکر.
۱۶. الزمالي، عامر (۱۹۹۳). مدخل الى القانون الدولي الانساني تونس: منشورات المعهد العربي لحقوق الانسان.
۱۷. سلمی، محمد بن سعد (ابن سعد) (۱۹۹۳). الطبقات الكبرى. طائف: مكتبة الصديق.
۱۸. شحاته، عبدالله (۱۴۲۲). تفسير قرآن کریم. قاهره: دارغریب للطباعة والنشر و التوزيع.
۱۹. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴). حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه المدرسین.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری. مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: انتشارات اساطیر.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۵۶). تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب). قاهره: انتشارات قاهره.

۲۵. القرطبی، محمد بن احمد بن رشد (۱۳۲۵). المقدمات الممهدات. قاهره: انتشارات قاهره.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات میزان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. مصحح: غفاری، علی‌اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. قم: مؤسسه الوفاء.
۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۵). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۰. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌الملل. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۱. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۹). فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام. قم: مؤسسه انصاریان.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. النجار، محمد (۱۳۹۳). الام للامام الشافعی. بیروت: دارالمعرفه.
۳۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: انتشارات اسلامی.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). مغازی. مترجم: مهدوی دامغانی، محمود. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۶. واکر آرنولد، توماس (۱۳۹۷). تاریخ گسترش اسلام. مترجم: عزتی، ابوالفضل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جرم‌انگاری اقدامات مخل امنیت خانواده

مرضیه محمودی^۱، انسیه سلیمی^۲

چکیده

خانواده اولین و مهمترین نهادی است که انسان در آن رشد می‌یابد و تربیت می‌شود. چه بسا خانواده‌ای سالم می‌تواند عاملی برای ایجاد محله، شهر و در نهایت جامعه‌ای سالم باشد. امروزه در جوامع مختلف، حفظ امنیت و سلامت خانواده یکی از چالش‌های مهمی است که دولت‌ها با آن روبه‌رو هستند. با این وجود، هنوز هم اقدامات غیرقانونی علیه خانواده مانند خشونت خانگی، آزار و اذیت جسمی، روحی و... دیده می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بیان جلوه‌هایی از اقدامات مخل امنیت خانواده و اهمیت و ضرورت جرم‌انگاری است؛ زیرا ایجاد محیطی امن و سالم برای خانواده باعث کنترل بسیاری از جرایم و بزهکاری‌ها در سطح جوامع می‌شود. در نتیجه ایجاد امنیت و سلامت در خانواده از هزینه‌های هنگفتی که ممکن است در آینده به جوامع تحمیل شود، جلوگیری می‌کند.

واژگان کلیدی: جرم، جرم‌انگاری، اقدامات مخل امنیت، خانواده.

۱. مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت افراد و اولین نهادی است که یک انسان در آن رشد می‌کند و تربیت می‌شود. بنابراین، با ایجاد امنیت و ثبات در خانواده می‌توان جامعه‌ای ایمن ایجاد کرد. در قرآن کریم در آیات بسیاری به اهمیت تشکیل خانواده و آرامش در آن اشاره شده است. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف و حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» است (روم: ۲۱). به موجب این آیه تشکیل خانواده و زوجیت، نشانه‌ای الهی و دلیلی برای آرامش. در آیه ۲۱ سوره نساء نیز از ازدواج با تعبیر «میثاقاً غلیظاً» یعنی، عهدهی محکم یاد می‌شود. اهمیت خانواده از دیرباز مورد توجه جوامع بوده، ولی امروز با ایجاد عوامل نوظهور و تغییر سبک زندگی خانواده‌ها این نهاد مهم بیش از پیش مورد تهدید قرار گرفته است. این امر توجه بیشتر جوامع را به خود می‌طلبد؛ زیرا خانواده می‌تواند یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت مجرمانه یا ایجاد شخصیتی فاضل در افراد باشد. مقاله حاضر به این مهم می‌پردازد که چه مصادیقی می‌تواند باعث اخلاص در امنیت خانواده شود. ضرورت این بحث از این نظر است که پیشگیری از اخلاص در امنیت خانواده یا شناسایی مصادیق مخل امنیت خانواده در ایجاد جامعه امن و اصلاح یاری می‌کند. در نتیجه جرم‌انگاری، اقدامات مخل امنیت خانواده از دیدگاه جرم‌شناسی نیز اهمیت می‌یابد؛ زیرا با شناسایی این اقدامات اخلاص آور و جرم‌انگاری آنها می‌توان از شکل‌گیری بسیاری از جرایم در جامعه جلوگیری کرد.

خانواده و اهمیت آن در طول تاریخ بشر مورد توجه تمدن‌ها بوده است و به‌طور ویژه اسلام نکات کلیدی بسیاری در زمینه ضرورت تشکیل خانواده سالم و اهمیت آن بیان کرده است. از مهمترین کارکردهای خانواده در طول تاریخ می‌توان به کارکرد زیستی و تولیدمثل، اقناع نیازهای جنسی، کارکرد تربیتی و آموزشی و... اشاره کرد. امروزه پیشرفت جوامع باعث افزایش تأثیر و نقش خانواده‌ها در شکل‌گیری جوامع شده و همین عامل یعنی، پیشرفت جوامع و گسترش تکنولوژی، زمینه آسیب‌های بیشتری را در خانواده‌ها مطرح کرده است. از این نظر این ضرورت ایجاد می‌شود که در این زمینه اقدامات مناسبی صورت گیرد. در زمینه جایگاه خانواده و تأمین امنیت در آن مقالاتی توسط پژوهشگران متعددی نوشته شده است. برای مثال در پژوهشی بانام تحلیل محتوای سریال‌های ماهواره در ارائه الگوی نقش به زنان و کاهش امنیت خانواده‌ها پژوهشگر بیان می‌کند بنابر نظریه امپریالیسم فرهنگی، خانواده یکی از اهداف اصلی رسانه است. به این منظور پژوهشگر از راه مصاحبه با زنان متأهل در اصفهان

به بررسی نقش سریال‌های ماهواره‌ای در خانواده و به‌ویژه زنان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در این سریال‌ها خانه‌داری تقبیح و اشتغال برای زنان ستایش شده است. در مقاله‌های دیگر، عامل خاص در ایجاد امنیت خانواده یا از بین رفتن آن بررسی شده است مانند بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی با امنیت خانواده نوشته ناصر فقیهی فرهمند و سعید زنجانی. عوامل ایجاد امنیت در خانواده از منظر اسلام نوشته مهین سقایی فیروزآبادی و مقالات دیگر. مقاله حاضر مصادیقی چند از اقدامات مخل امنیت خانواده را بیان می‌کند و به ضرورت و اهمیت جرم‌انگاری می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. جرم

جرم در لغت به معنای گناه و بزه (معین، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵۵)، خطا (عمید، ۱۳۸۱، ص ۸۱) و نقض قوانین است. جرم‌انگاری^۱ فرایندی در جرم‌شناسی است که طی آن رفتارها و افراد به ترتیب، مجرمانه و مجرم قلمداد می‌شوند. به این ترتیب اقدامات قانونی ممکن است با قانون‌گذاری یا تصمیم قضایی، مجرمانه محسوب شوند. در تفسیر قانون موضوعه فرض بر این است که چنین مواردی عطف به ماسبق نمی‌شود مگر اینکه به طور صریح توسط قانون‌گذار بیان شده باشد. در اصطلاح علم حقوق آمده است: «جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، حکومت رفتارهایی را از فضای آزاد رفتاری شهروندان به قلمروی تحت سلطه خویش منتقل می‌کند و مرتکب آن را به تحمل درد و رنج تهدید می‌کند. به این ترتیب، ملموس‌ترین رویارویی آزادی‌های فردی و قدرت حکومت را می‌توان در تصویب قوانین کیفری مشاهده کرد. درواقع، حکومت با استفاده از جرم‌انگاری، اعمال زور سازمان یافته خود را نمایان می‌کند، چنان که

نمی‌توان نظیر آن را در سایر شاخه‌های حقوقی یافت» (فرح‌بخش، ۱۳۹۲، ص ۱۵). خانواده در فرهنگ فارسی عمید به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۱، ص ۸۲۹). در فرهنگ فارسی عمید واژه محل را خلل رساننده، اخلاص کننده و فاسدکننده معنی کرده‌اند (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷۷). امنیت در لغت به معنای در امان بودن، ایمن شدن، بی‌بیمی (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲) وضع یا کیفیت نبودن خطر یا آشوب و ایمنی است (صدری افشار، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). برخی نیز امنیت را به معنی دوری از هرگونه تهدید و آمادگی برای رویارویی با خطرات می‌دانند. مفهوم امنیت نسبی است و شدت و ضعف دارد.

۳. اهمیت خانواده

خانواده، نهادی انسان‌ساز است اهمیت زیادی دارد. افرادی که در یک خانواده به نسبت پایدار تربیت می‌شوند احتمال بزهکار شدن آنها کمتر است. فرد با تجربه رفتارهای مثبت و مناسب در خانواده به تعاملات اجتماعی سالم‌تر تمایل بیشتری دارد. بنابراین، کمتر به جرایم تمایل خواهد داشت. جان‌گاتمن روان‌شناس آمریکایی در اهمیت خانواده می‌گوید: «خانواده یک واقعیت است که تنها زمانی که آن را از دست می‌دهید ارزش و اهمیت واقعی آن را درک می‌کنید» (گاتمن، سیلور، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).

۳-۱. اهمیت خانواده در اسلام

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام هیچ مبنایی نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج نیست». (حرعاملی، ۱۳۸۴، ۳/۱۴) خداوند در قرآن از ازدواج و تشکیل خانواده با عبارت عهد محکم یاد می‌کند. این حدیث نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت خانواده در اسلام است که با ازدواج حاصل می‌شود. یکی از وظایف خانواده در اسلام، تربیت فرزند است و احادیث زیادی از معصومین در این زمینه بیان شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَأَنْ يُؤَدَّبَ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنَصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ؛ بی‌تردید اگر هریک از شما به تربیت فرزند خود بپردازد برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیم

صاع در راه خدا صدقه بدهد» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ۴۷۶/۲۱). بهترین زمان برای تربیت فرزند و ایجاد روحیات مثبت یا منفی در افراد، دوران کودکی است. اگر والدین این دوران طلایی را از دست بدهند دیگر نمی‌توان روحیات شکل‌گرفته در افراد را تغییر داد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَذْبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْغَلَ لُبُّكَ؛ بی‌تردید دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

علاوه بر نقشی که والدین در تربیت فرزند و رشد فضایل اخلاقی دارند رابطه آنها با یکدیگر نیز تأثیر بسزایی در ایجاد آرامش در خانواده دارد. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱). خداوند در این آیه، زن و شوهر را مایه آرامش هم می‌داند. وجود آرامش و الفت میان زن و شوهر یکی از عوامل مهم در ایجاد خانواده باثبات و پایدار و نتیجه آن تربیت فرزندان صالح است. در خانواده‌ای که پدر و مادر همواره در جدال و تنش باهم باشند کودک نمی‌تواند رشد مناسبی داشته باشد. جدال و عدم آرامش بین والدین می‌تواند بر تمام ابعاد رشدی و تربیتی کودک تأثیر بگذارد که سبب بروز مشکلات اجتماعی در آینده کودک می‌شود. احادیث بسیار نشان‌دهنده اهمیت تربیت انسان و نقش مهم و تأثیرگذار خانواده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَالْأَدَبُ خَيْرُ مِيرَاثٍ؛ ادب بهترین میراث است» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ۴۸۹/۱۶). منظور این است که ادبی که والدین با تربیت برای فرزند به جا می‌گذارند بهترین میراث است. بنابراین، نه تنها خانواده در اسلام نقش اساسی در تربیت انسان دارد، بلکه مهمترین نقش خانواده همین است که برای جامعه انسان‌های فاضل تربیت کند و از آنجاکه خانواده در اسلام نهاد اجتماعی مهمی است مراقبت از اعضای خانواده با حمایت اجتماعی و اقتصادی بسیار ضروری است.

۳-۲. اهمیت خانواده از منظر جامعه‌شناسی جنایی

«در انتقال ارزش‌ها و هنجارهایی که در یک جامعه معمول است بی‌تردید خانواده نقش اساسی ایفا می‌کند». (غفاریون اصفهانی، ۱۳۹۵، ۵۸/۱) خانواده، اولین محیط تربیت و تعلیم انسان است و نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی فرد و شیوه حضور و رفتار او در جامعه دارد. بنابراین، هرچه پایه‌های یک خانواده استحکام بیشتری داشته باشد احتمال ایجاد رفتارهای پرخطر در افراد خانواده کمتر است. یک خانواده متزلزل به ندرت می‌تواند شرایطی را فراهم کند که برای تربیت و جامعه‌پذیری کودک مناسب باشد. این تزلزل و عدم توانایی در ایجاد محیط امن سبب ایجاد ناهنجاری در کودکان و در نهایت ایجاد رفتارهای پرخطر در آنها می‌شود. ناپایداری و تزلزل در خانواده ممکن است به دلایل مختلفی ایجاد شود مانند طلاق زوجین، فوت والدین و یتیمی، روابط نامشروع، بازداشت یکی از والدین و... همان‌طور که خانواده نابسامان و متزلزل می‌تواند بستر بزهکاری افراد را فراهم کند خانواده مستحکم نیز می‌تواند سبب تربیت افراد سازگار با محیط شود.

بدین ترتیب، نهاد خانواده در پی‌ریزی شخصیت، منش، کردار، گفتار، نگرش و بینش انسان نقش اساسی دارد. افزون بر این در حفظ، پایایی و پویایی هنجارها، ارزش‌ها، مقررات، باورها، آداب و رسوم و تکامل و پیشرفت جامعه در ابعاد مادی و معنوی نقش کلیدی ایفا می‌کند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳) امروزه به دلایلی مانند فضای مجازی، خشونت خانوادگی و... استحکام خانواده دچار تهدید شده و بنیان خانواده در خطر است. احتمال انجام رفتارهای نابهنجار در افرادی که در خانواده، محله و یا محیط پرخطر و نامناسب رشد می‌کنند بیشتر از افرادی است که در محیط و خانواده‌های سالم تربیت یافته‌اند. این نشان‌دهنده اهمیت ایجاد خانواده و جامعه مناسب برای رشد افراد و کودکان است. دولت‌ها برای داشتن جامعه سالم و به‌دور از بزهکاری ملزمند تا شرایط ایجاد خانواده سالم را با قدرتی که در اختیار دارند، فراهم کنند تا از این راه سبب ایجاد محیطی امن برای همه افراد جامعه شوند.

۳-۳. اهمیت خانواده از منظر روان‌شناسی

در علم روان‌شناسی هم خانواده از مهمترین عوامل مؤثر در شخصیت افراد است به طوری که کوچک‌ترین رفتاری در خانواده و والدین می‌تواند سبب تغییر رفتار افراد شود. نهاد خانواده سبب ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس در افراد می‌شود. اگر والدینی ناآگاهانه رفتاری از خود نشان دهند این رفتار حتی کوچک می‌تواند سبب ایجاد رفتارهای مؤثر در زندگی افراد شود. بنابراین، در علم روان‌شناسی همواره به شیوه برخورد والدین در ارتباط با فرزندانشان تأکید شده است. خانواده با فضای مناسب برای بروز علاقه‌مندی‌های سالم کودکان، کاستی در رفتار جنایی آنها را تضمین می‌کند. پدر و مادر با پرکردن خلأهای عاطفی کودکان سبب ایجاد شخصیت باثبات در آنها می‌شوند و از گرایش آنها به بزهکاری جلوگیری می‌کنند.

۳-۴. اهمیت خانواده از منظر جرم‌شناسی

جرم‌شناسی، علمی است که عوامل مؤثر در ایجاد جرم و شیوه مجرم شدن افراد را بررسی می‌کند. خانواده یک واحد اجتماعی است که جایگاه بالایی دارد. رابطه خانوادگی قوی به فرزندان احساس امنیت و استقلال می‌دهد که در پیشگیری از جرم و جنایت نقش بسزایی دارد. خانواده با وجود اینکه کوچک‌ترین واحد اجتماعی است هسته اصلی جامعه، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است. (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ۵۹۹/۲) اگر خانواده‌ای به هر دلیلی دچار فروپاشی شود دیگر کارکرد خود را از دست می‌دهد. این از بین رفتن خانواده، هزینه‌های بسیاری برای جوامع دارد که یکی از آنها مجرم شدن افراد است. مجرم شدن آنها نیز از نقصان در جامعه پذیر شدن فرزندان در محیط خانواده ناشی می‌شود.

بررسی پرونده شخصیت مجرمین کیفری در بسیاری از موارد نشان‌دهنده نقش مهم خانواده در تربیت افراد و جامعه‌پذیر کردن آنهاست. محمد بسیجه معروف به محمد بیجه، قاتلی سریالی بود که در سال ۱۳۸۳ در پاکدشت کرج اعدام شد. پرونده شخصیت محمد بیجه و مصاحبه‌های متعددی که او انجام داده است، نشان‌دهنده آسیب‌های اجتماعی و

خانوادگی بسیاری است که او در دوران کودکی و نوجوانی خود داشته و شخصیت او در چنین محیطی شکل گرفته است. (محمودی، باقری، ۱۴۰۰، ص ۳۶) همه این موارد نشان دهنده اهمیت و جایگاه نظام خانواده در تربیت و رشد افراد است. این خانواده است که با تدابیر و اعمال تربیتی، افراد را رشد می دهد و خصیصه احترام به مقررات و قانون مداری را در آنها ایجاد می کند؛ زیرا هیچ کودکی احترام به قانون را از ابتدا یاد ندارد همان گونه که هیچ کودکی از ابتدا مجرم متولد نمی شود.

این خانواده است که با نقشی که دارد افراد را در مسیر درست و یا غلط قرار می دهد و سبب رشد فضایل یا رذایل در آنها می شود. ارتباط مفید و مؤثر افراد خانواده با هم و حمایت والدین از فرزندان یکی از عوامل مهم در شکل گیری شخصیت و جامعه پذیری کودکان است. خانواده ها با بالابردن سطح آگاهی کودکان خود نسبت مسائل اجتماعی و رفتارهای پرخطر باعث می شوند فرد در بزرگسالی خود را از خطرات حفظ کند و از ارتکاب جرم محفوظ باشد. به دنبال تحولات و تغییرات روبه رشد در جوامع بشری، نهاد خانواده هم از این تحولات بی نصیب نماند و در بسیاری از موارد تغییرات شگرفی در ساختار خود پذیرفت (غفاریون اصفهانی، ۱۳۹۵، ص ۵۷). این تغییر و تحولات سبب به وجود آمدن مشکلات جدید در زمینه حقوق کیفری شده و جرایم جدیدی نیز به صحنه جامعه اضافه کرده است. مقابله با این مشکلات نوظهور نیاز به راه حل های جدید دارد.

۴. ضرورت جرم انگاری اقدامات مخل امنیت خانواده

خانواده، نهادی انسان ساز است که اهمیت زیادی دارد. این محیط خانواده است که باعث ایجاد ویژگی های اخلاقی مختلف در افراد می شود و می تواند آنها را به سمت انواع آسیب های اجتماعی سوق دهد. علم جرم شناسی که به دنبال یافتن عوامل مؤثر در جرم است به اهمیت نقش خانواده در مجرم کردن افراد توجه بسیاری دارد. در شاخه جرم شناسی پیشگیری، پیشگیری رشد مدار، یکی از اشکال پیشگیری اجتماعی است که به دنبال بهبود پایدار توانایی های اجتماعی اطفالی است که خطر گرایش آنها به دنیای بزهکاری زیاد است.

(ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۷۳) خانواده یکی از محیط‌های اجتماعی است که در کنترل بزهکاری در جامعه مؤثر است و می‌تواند سبب هدایت جامعه به سمت یک جامعه آرمانی شود. کوتاهی و بی‌کفایتی والدین عاملی است که سبب ناکارآمدی نظام خانواده در تربیت افراد می‌شود. این ناکارآمدی و تزلزل می‌تواند شهر، کشور و درنهایت جامعه را به اضمحلال بکشاند. قصور والدین و تاحدودی بی‌کفایتی آنها در تربیت فرزندان، مشکل اساسی است که پیشگیری رشد آمار به دنبال ارائه راه حل برای آن است (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). بنابراین، هرچه روابط عاطفی در خانواده مستحکم‌تر باشد و والدین با هم و با فرزندان تفاهم و سازگاری بیشتری داشته باشند سلامت روانی و رفتاری کودکان بیشتر است، پس والدین باید تمام تلاش خود را برای ایجاد این محیط ایمن برای کودکان به کار گیرند و از هر راه ممکن، سازگاری و تفاهم در خانواده را تضمین کنند. با این تفاسیر، ضروری است که دولت‌ها با استفاده از قدرت خود برای ایمن‌سازی فضای خانواده قدم بردارند. دولت و سیاست‌گذاران در هر جامعه برای اینکه هزینه‌های مادی و معنوی کمتری را متحمل شوند باید این اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند و گرنه پرداخت هزینه‌های هنگفتی که به سبب جرم و بزهکاری افراد در آینده به وجود می‌آید اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۵. مواردی از اقدامات مخل امنیت خانواده

با توجه به اهمیت جایگاه خانواده از منظر اسلام و علوم مرتبط با جرم‌شناسی، عوامل گوناگونی می‌تواند در تزلزل و ناپایداری خانواده و در نهایت اخلاق در امنیت آن مؤثر باشد که از جمله آنها می‌توان به طلاق زوجین، مرگ یکی از والدین، تاثیر فضای مجازی و خشونت خانگی اشاره نمود. با وجود ضرورت جرم‌انگاری اقدامات مخل امنیت خانواده، باید به این نکته توجه نمود که بر اساس اصل آزادی اراده و لزوم احترام به آزادی انسان‌ها، در مواردی همچون جدایی زوجین، امکان جرم‌انگاری رفتارهای مؤثر بر ناامنی خانواده وجود ندارد. زیرا انسان‌ها همان‌طور که در ازدواج خود آزادند در طلاق هم آزادند و اگر زن و مرد نتوانند باهم

زندگی کنند، می‌توانند ازهم طلاق بگیرند هرچند که این امر بر کودکان تأثیر منفی بگذارد. دولت‌ها در این زمینه‌ها تنها می‌توانند اقدامات پیشگیرانه انجام دهند که زوجین به فکر طلاق نیفتند. ازطرف دیگر، امروزه نظام کیفری به دنبال جرم‌زدایی است تا جرم‌انگاری. در جهان امروز به دلیل تورم قوانین و جمعیت کیفری، دولت‌ها و سیاست‌گذاران نظام کیفری به دنبال این هستند که راهی پیدا کنند تا از میزان جمعیت افراد در زندان‌ها کم شود و از مواردی که بدون دلیل جرم‌انگاری شده است جرم‌زدایی کنند؛ زیرا تورم جمعیت و قوانین کیفری برای دولت‌ها هزینه‌های هنگفت مادی و اجتماعی به بار می‌آورد و خود این امر چه بسا سبب افزایش بزهکاری افراد شود.

۵-۱. فضای مجازی

امروزه به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی استفاده از فضای مجازی امری اجتناب‌ناپذیر است. فضای مجازی ابزاری است که باعث می‌شود انسان‌ها به راحتی در هرجایی باهم ارتباط بگیرند. انجام هر نوع فعالیتی مانند فعالیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و... با استفاده از فضای مجازی آسان شده است. با این وجود، فضای مجازی مانند هر امر دیگری درکنار مزایایی که دارد آسیب‌های زیادی نیز دارد که استفاده از آن را با مشکل مواجه کرده است. فضای مجازی امروزه امری است که هر انسانی به راحتی می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد و استفاده از آن برای افراد در هر سنی راحت و آزاد است. همین امر سبب آسیب‌زا بودن این فضا شده است. دسترسی آسان به فضای مجازی برای کودکان باعث شده است که این قشر آسیب‌پذیر به راحتی در معرض انواع آسیب‌ها و جرایم سایبری قرار گیرند. این امر بر روحیه و عواطف این کودکان تأثیر می‌گذارد و حریم خصوصی آنها نقض می‌شود. اعتماد به فضای مجازی در کودکان، تعاملات آنها در دنیای حقیقی را کم می‌کند و سبب افزایش استرس و افت تحصیلی می‌شود.

فضای سایبری، عامل مخربی در روابط والدین نیز است. چه بسا استفاده بیش از حد از فضای مجازی سبب سرد شدن روابط والدین باهم یا با فرزندان می‌شود. امروزه فضای مجازی

عامل مهمی در گسترش روابط نامشروع و یا خیانت‌های زوجین است. همه اینها بر امنیت خانواده تأثیر می‌گذارد و استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد. عوامل مؤثر در تزلزل خانواده که بر امنیت خانواده تأثیر می‌گذارد از مواردی است که جرم‌انگاری آنها به راحتی ممکن نیست؛ زیرا انسان‌ها در بسیاری از امور خود آزادند، ولی می‌توان برای این فضا چارچوبی قرار داد تا دسترسی به آن بخش مخرب به راحتی ممکن نباشد. کشورهای مختلف در سراسر جهان برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی، سیاست‌های محدودکننده‌ای ایجاد و قوانینی وضع کرده‌اند تا کودکان یا خانواده‌ها از آسیب‌های فضای مجازی در امان بمانند. برای مثال در آلمان آیین‌نامه توافقی اپراتورهای همراه برای حمایت از کودکان امضا شد که در آن اپراتورهای موبایل موظفند دسترسی به محتواهای غیرقانونی را محدود کنند. در آمریکا قانون حفاظت از کودکان در اینترنت الزاماتی را برای مدارس و کتابخانه‌های آمریکا فراهم می‌کند و از آنها می‌خواهد برای محافظت از کودکان محتوای مضر آنلاین را فیلتر کنند. (شفقنا، ۱۴۰۱) در کشور ایران نیز دولت برای صیانت از حقوق کودکان اقداماتی انجام داده است. برای مثال فیلترینگ، ابزاری برای محدود کردن دسترسی افراد به محتوای مضر در اینترنت است، ولی به نظر می‌رسد این ابزار کارآمدی کافی را ندارد و هنوز هم افراد با استفاده از ابزارهای مختلفی فیلترینگ را دور می‌زنند. بنابراین، قانون‌گذار باید به دنبال راه حلی باشد که به طور مؤثر با آسیب‌های فضای مجازی روبه‌رو شده و آنها را کنترل کند و گرنه مجبور است برای مقابله با نتیجه این آسیب‌ها هزینه بیشتری بپردازد.

۵-۲. خشونت خانگی

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات در مورد خشونت این‌گونه جرم‌انگاری کرده است: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنها توهین کند به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». این ماده، خشونت به معنای عام را در نظر دارد و برای آن مجازات

مشخص کرده است، اما در مورد خشونت در خانواده‌ها صحبتی نمی‌کند. گفته شد که خانواده نهادی اجتماعی است که اهمیت زیادی دارد و حمایت از آن سبب حمایت و پاکی جامعه می‌شود. اگرچه خشونت به هرشکلی امنیت جامعه را به هم می‌زند، اما به نظر می‌رسد جرم‌انگاری خشونت خانگی به طور خاص اهمیت زیادی دارد. دلیل اهمیت جرم‌انگاری در زمینه خشونت خانگی، جایگاه بالای نهاد خانواده است. خشونت خانگی والدین نسبت به هم یا والدین نسبت به فرزندان بر ابعاد رشدی و تربیتی اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. مشکلاتی که این خشونت‌ها بر روح و روان افراد برجای می‌گذارند جبران‌ناپذیر است و سبب ازبین رفتن امنیت خانواده و درنهایت امنیت جامعه می‌شود. خشونت خانگی سبب ناسازگاری، عدم عزت نفس، ایجاد حس حقارت، ناکارآمدی، مشکلات تحصیلی و درنهایت گرایش به بزهکاری می‌شود.

باتوجه به آنچه در مورد تأثیر به‌ویژه خشونت خانگی در امنیت خانواده و جامعه بیان شد، ضروری است که قانون‌گذاران این امر را به‌طور جداگانه جرم‌انگاری کنند و برای آن مجازات بازدارنده‌ای در نظر بگیرند. قانون‌گذاران در آلمان برای مقابله، مقرراتی را تصویب کرده‌اند. یکی از اصلی‌ترین مقررات قانونی مربوط به خشونت خانگی در آلمان، قانون محافظتی خانواده است که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد و اقدامات گسترده‌ای را برای پیشگیری از خشونت خانگی و محافظت از قربانیان آن انجام می‌دهد. ماهیت خشونت خانگی به‌گونه‌ای است که به‌ندرت فاش شده است و اثبات آن به‌راحتی ممکن نیست؛ زیرا در محیط خصوصی خانواده حضور شاهدان کمتر به چشم می‌خورد. بنابراین، بر دولت‌ها واجب است تا از قدرت خود برای حمایت ویژه از امنیت و آرامش خانواده استفاده کنند.

۶. نتیجه‌گیری

خانواده، نهادی اجتماعی است که وظیفه تربیت و رشد انسان‌ها را برعهده دارد. در زمینه اهمیت خانواده در اسلام و علوم مربوطه مثل روان‌شناسی و جرم‌شناسی مطالب فراوانی بیان شده است. خداوند در قرآن از خانواده با عبارت «میثاقا غلیظا» (نساء: ۲۱) یاد کرده است و

ازدواج و تشکیل خانواده را سبب آرامش افراد خانواده می‌داند. در مباحث جرم‌شناسی و روان‌شناسی نیز اهمیت خانواده بسیار روشن است و نیازی به بحث ندارد؛ زیرا خانواده اولین محیطی است که انسان در آن قرار می‌گیرد و این محیط نقش بسزایی در تشکیل شخصیت اجتماعی افراد خانواده دارد. بنابراین، هرچه امنیت و آرامش در خانواده بیشتر باشد خانواده ایمن، انسان‌های فاضلی را تربیت می‌کند که سبب هدایت جامعه به سمت یک جامعه آرمانی می‌شود. در نتیجه دولت‌ها حداقل برای حفظ منافع خودشان هم که شده است باید تمام تلاش خود را در زمینه افزایش امنیت خانواده‌ها به کار بگیرند. امروزه جوامع بیشتر به دنبال جرم‌زدایی از عناوین مجرمانه می‌باشند تا جرم‌انگاری. دولت‌ها با ایجاد محدودیت از راه جرم‌انگاری می‌توانند به امنیت خانواده و در نهایت جامعه کمک شایانی کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری. تهران: نشر میزان.
- ۲. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی جنایی. قم: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۳. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۴). وسائل الشیعه. تهران: انتشارات طبع حروفی.
- ۴. رسانه شفقنا (۱۴۰۲). کشورهای مختلف چگونه فضای مجازی را برای کودکان امن می‌کنند. مشاهده شده در <https://fa.shafaqna.com>
- ۵. صدری افشار، غلام حسین، حکمی، نسرتین، و حکمی، نسترن (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی امروز. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۶. عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: چاپخانه سپهر.
- ۷. غفاریون اصفهانی، روح‌الله (۱۳۹۵). نگرشی نو به تأثیر کیفی خانواده بر بزهکاری. تهران: انتشارات مجد.
- ۸. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۲). جرم‌انگاری فایده‌گرایانه. تهران: نشر میزان.
- ۹. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶). مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰. متقی الهندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹). کنز العمال. بیروت: انتشارات مؤسسه الرساله.
- ۱۱. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران: نشر سرایش.
- ۱۲. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مهدوی، محمود، و باقری، فریبا (۱۴۰۰). واکاوی قتل‌های سریالی محمد بیجه از منظر جرم‌شناسی رشدمدار. نشریه رهیافت پیشگیری از جرم، ۴(۴)، ۵۸-۳۳.

حقوق معنوی نادیده گرفته شده زنان در لایحه ارتقای امنیت

زنان در برابر سوءرفتار

محدثه رضایی^۱، تقوی کنانی^۲

چکیده

یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق زنان بررسی نیازهای معنوی زوجه و تلاش برای تحقق آن است. منظور از حقوق معنوی زنان آن دسته از نیازهای مسلم آنها در حوزه‌های مختلف است که تداوم حیات و زندگی باکرامت و عزت آنها در گرو آن است که در صورت ضایع شدن آن، تعالی نفس و سلامت روح و روان زنان آسیب می‌بیند. در لایحه ارتقای امنیت زنان به طور ویژه به حقوق مادی و معنوی زن اشاره شده است، اما در این لایحه برخی از حقوق معنوی زنان نادیده گرفته شده است. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، این حقوق نادیده گرفته شده را شناسایی و بررسی می‌کند. در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوء رفتار به برخی حقوق معنوی زنان مانند حق آزادی و رفت‌وآمد آن‌طور که شایسته است پرداخته نشده است. همچنین به حقوقی مانند حق جنسی زوجه، حق بیتوته، مسئله خیانت زوج به زوجه و حبس خانگی زوجه توجهی نشده است.

واژگان کلیدی: حقوق معنوی، لایحه، ارتقای امنیت زنان، سوءرفتار.

۱. مقدمه

حقوق زنان، مهمترین مسائل حقوق خانواده مانند حقوق مالی (ارث، نفقه و...) و حقوق معنوی (حق بیتوته، حق آزادی بیان و...) را شامل می‌شود. لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی و تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

سوءرفتار، گام مثبتی در تحقق حقوق زنان است و به صورت ویژه در این مسئله ورود کرده است. این لایحه هم حقوق مالی و هم حقوق معنوی را شامل می‌شود. هدف مقاله حاضر، شناسایی خلأهای لایحه در مورد حقوق معنوی زن است؛ زیرا این لایحه جزو اسناد داخلی است و باید به نواقص آن توجه کرد تا به کمک قانون از هرگونه آسیب به زنان پیشگیری کرد یا در صورت آسیب، به جبران آن پرداخت؛ زیرا زنان در قالب همسر و مادر تأثیر بسیاری در سرنوشت جامعه دارند. لایحه ارتقای امنیت زنان از سال ۱۳۹۱ بین نهادها، سازمان‌ها و کمیسیون‌های مختلف دست به دست شد تا اینکه در فروردین سال ۱۴۰۲ به تصویب رسید. در ابتدا عنوانش منع خشونت بود، اما با بازنگری‌هایی مختلف به سوءنیت تبدیل شد؛ زیرا خشونت، مفهوم خاص دارد، ولی سوءرفتار معنایی اعم از خشونت دارد و شامل آسیب‌های معنوی هم می‌شود که قانون‌گذار باید در آن ورود کند؛ زیرا در قوانین مدنی به امساک به معروف و حسن رفتار اشاره شده است. در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی آمده است که زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. درست است که از الفاظ الزام‌آور استفاده شده است، اما برای آن در ماده ضمانت اجرایی وجود ندارد. در این لایحه به خوبی به موارد متعدد سوءرفتار اشاره شده و ضمانت اجرایی تعیین کرده است، البته خلأهایی هم در حقوق معنوی زنان است که در نوشتار حاضر شناسایی و بیان می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. حق آزادی رفت‌وآمد

آزادی رفت‌وآمد یعنی، افراد در خروج از کشور خود به هر نقطه‌ای آزادند و هرگاه بخواهند، می‌توانند به کشور خود مراجعت کنند و نیز هرگاه بخواهند می‌توانند در داخل کشور رفت‌وآمد کنند. در این مسیر، هیچ مانعی نباید مخل به اراده شخص باشد که در ماده ۴۸ قانون اساسی این امر آمده است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۲۹) آزادی رفت‌وآمد نتیجه امنیت شخصی است. این حق از حقوق اولیه فرد در کشورهایی است که حاکمیت مردم سالارانه دارند. برخی

معتقدند محروم کردن افراد از چنین حقی از ویژگی‌های حکومت‌های اقتدارگرا و تمرکزطلب است (قاضی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷). براساس مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق آزادی رفت‌وآمد سه جنبه دارد: حق آزادی جابجایی در قلمرو کشور محل اقامت قانونی که دربرگیرنده حق انتخاب آزادانه اقامتگاه است؛ حق ترک هر کشور صرف‌نظر از تابعیت فرد؛ حق ورود به کشور متبوع. حق رفت‌وآمد و تعیین آزادانه اقامتگاه، مطلق نیست و محدودیت‌هایی برای آن در حقوق کشورهای مختلف به‌ویژه در قوانین کیفری پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در این باره مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه رفت‌وآمد و محل اقامت خود را انتخاب کند؛ هرکس حق دارد هر کشوری و ازجمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد». (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، ص ۲۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در ماده ۱۲ با تصریح به این حق بیان می‌دارد: «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق رفت‌وآمد آزادانه و انتخاب آزادانه اقامتگاه خود را در آنجا خواهد داشت. هرکس آزاد است هر کشوری و ازجمله کشور خود را ترک کند. حقوق یادشده، تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون، مقرر شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد» (شیلتون، ۲۰۰۸، ص ۱۳۷).

نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز به شرح و تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره حق آزادی رفت‌وآمد می‌پردازد. در این نظریه آمده است: «کشورهای عضو باید حق آزادی رفت‌وآمد را نه تنها در سطح عمومی، بلکه در روابط خصوصی افراد نیز تضمین کنند. در این راستا زنان نیاز به حمایت ویژه دارند. اینکه حق آزادی رفت‌وآمد زنان ازسوی قانون یا عرف منوط به تصمیم فرد دیگری مانند یکی از خویشاوندان شود با مفاد بند ۱ ماده ۱۲ میثاق در تعارض است. همچنین اعمال محدودیت

بر این حق باید همسو با دیگر حقوق تضمین شده در میثاق و اصول اساسی برابری و عدم تبعیض باشد. بنابراین، اعمال محدودیت بر این حق براساس نژاد، جنسیت، زبان، دین، وضعیت مالی و مانند آن نقض آشکار ماده ۱۲ میثاق است. احکام موجود در برخی کشورها که آزادی رفت‌وآمد و انتخاب اقامتگاه زنان را منوط به اجازه یا همراهی فرد مذکری می‌کند نقض ماده ۱۲ میثاق است.

دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را بدون هیچ قید و شرطی تصویب کرد، به آن اعتبار قانونی بخشید و خود را به آن متعهد ساخت. بعد از انقلاب اسلامی نیز دولت ایران نه تنها میثاق را رد نکرد و خروج خود را از عضویت در آن اعلام نکرد، بلکه سیاست کلی ایران مبنی بر همکاری با کمیته حقوق بشر بود. (مهرپور، ۱۳۹۵، ص ۷۵) ماده ۱۸ و ۱۹ قانون گذرنامه، خروج زنان شوهردار و دختران مجرد از کشور را منوط به اجازه همسر و پدر می‌داند که این خود به گونه‌ای برخلاف حق آزادی رفت‌وآمد است.

۳. حق آزادی رفت‌وآمد در لایحه ارتقای امنیت زنان

متأسفانه در این لایحه همچنان به این حق بی‌توجهی شده است. در ماده ۵۰ این لایحه آمده است: «زنانی که برای خروج از کشور نیاز به اذن همسر دارند در صورت خودداری غیرموجه وی از اعطای اذن می‌توانند با تقدیم دادخواست، مدارک و مستندات خود مبنی بر ضرورت خروج از کشور را به دادگاه خانواده تسلیم کنند. دادگاه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی کرده و در صورت احراز ضرورت امر، عنداللزوم پس از اخذ تأمین مناسب، اذن خروج از کشور با ذکر مدت و دفعات سفر را خواهد داد». بنابراین، تنها گام مثبت این لایحه در این مورد رسیدگی خارج از نوبت دادگاه برای احراز ضرورت خروج از کشور است، ولی خروج زنان و دختران منوط به اجازه همسر و پدر است و شرط اذن ولی همچنان به قوت خود باقی است. درحالی که آزادی رفت‌وآمد از حقوق معنوی مسلم هر خانم یا دختر بالای ۱۸ سال است.

۴. نشوز زوج در برابر حق جنسی زوجه

خانواده مهمترین و نخستین نهاد جامعه است و نقش مهمی در سلامت جنسی فرد و جامعه دارد. ادامه حیات و بالندگی در دوام و قوام این نهاد مقدس به عوامل متعدد بستگی دارد که توجه به آن ازسوی اعضای خانواده، جامعه و مسئولین کشور بسیار مهم است. از عواملی که به بقای خانواده کمک شایانی می‌کند سلامت جنسی و کارکرد مناسب آن در چارچوب خانواده براساس شرع، قانون و عرف است. امروزه مشخص شده است که روابط جنسی پایدار زوجین در ثبات و تحکیم خانواده نقش مؤثری دارد. قوانین رسمی در مورد نشوز مردان و نیازهای جنسی زن سکوت کرده و آن را نادیده گرفته است. باوجود اینکه فقه اسلامی به آن اشاره کرده و ارضای نیازهای جنسی را هم برای مردان و هم برای زنان در خانواده واجب می‌داند. (شعربافچی زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۸۹)

برخلاف اینکه در متون اسلامی به حق زوجین در این زمینه توجه شده، اما نمایان شدن بیشتر این حق در مورد زوج، موجب غفلت از حقوق جنسی زوجه شده است. در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار که پرچمدار حقوق زنان است به این سوءرفتار مرد یا همان نشوز زوج پرداخته نشده و از آن غفلت شده است درحالی که این مسئله اهمیت زیادی در سلامت جسمی و روحی زوجه و درنهایت سلامت جامعه دارد.

۵. حق جنسی زوجه در فقه

تحقیق در کتاب‌های فقهی نشان می‌دهد که عمل نکردن به دستور دین در چهار حوزه نفقه، قسم، موافقه و معاشرت به معروف نسبت به زن مصداق‌های نشوز مرد است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰/۳؛ ۱۴۷/۳۱؛ حلی، ۱۴۱۳، ۵/۳) براساس صریح آیه قرآن، زن به مجرد بیم از رخ دادن نشوز باید برای حل برطرف کردن آن اقدام کند (ر.ک.، نساء: ۱۲۸). در قوانین جمهوری اسلامی تنها ترک انفاق براساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی جرم‌انگاری شده و واژه نشوز و مفهوم آن برای مرد به کار نرفته است. به عبارت دیگر، قوانین مربوط در وجوه مدنی، حمایتی و کیفری

فاقد سیاست‌ها و تدابیر تقنینی لازم برای آسان‌سازی استیفای حقوق جنسی زن است. این درحالی است که در متون فقهی به قاضی، اجازه تعزیر مردی داده شده است که وظایف زوجیت در واقعه و حق قسم را انجام نمی‌دهد؛ یعنی قاضی باید چنین مردی را از راه سازوکارهای کیفری-تعزیری و غیرکیفری به ادای وظیفه زوجیت وادار کند و اگر اجبار اثری نداشته باشد او را به طلاق زوجه موظف کند. در صورت خودداری مرد، قاضی بنابر قاعده (الحاکم ولی الممتنع) به مطلقه کردن زوجه اقدام خواهد کرد.

در متون فقهی، نشوز زوج از موجبات طلاق اجباری است و در این مورد طلاق به عسر و حرج زوجه مقید نشده است. به عبارت دیگر، نشوز و عدم ادای وظایف زناشویی به صورت مطلق از زمینه‌های ورود حقوق به ساحت خانواده است. این مسئله به تأمین بودن زوجه از نظر مالی ربطی ندارد. صاحب جواهر و امام خمینی رحمتهما الله تعالی در تحریرالوسیله به این امر پرداخته‌اند. (نجفی، ۱۳۹۱، ۳۱/۲۰۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲/۲۷۴) ترک آمیزش با همسر بیش از چهارماه صحیح نیست (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۸/۲۷۱). روی دیگر این سخن این است که براساس نظر مشهور فقهای امامیه، زن بیش از واقعه هر چهارماه یک‌بار، حقی بر گردن زوج ندارد (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۲؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۲/۲۳۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۱۴). تنها سند مرجع صدور فتوا برای حد آمیزش، روایتی است از صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام. در این روایت امام در پاسخ به فردی که نزدیکی با همسرش را به علتی مانند عزادار بودن و نه به قصد اضرار زوجه به تعویق انداخته بود، فرمود: «ترک واقعه بیش از چهارماه جایز نیست» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۴۰۵).

باوجودی که در سند و دلالت این روایت تردیدی نیست به نظر می‌رسد مبنا قرار دادن این روایت برای همه زمان‌ها و همه افراد با دستور صریح قرآنی با عبارت: «عاشروهن بالمعروف» در تضاد آشکار است؛ زیرا حق جنسی که از حقوق طبیعی همه افراد است فاقد ظرفیت‌های کنترل‌ها و تعدیل‌های کمی است. این درحالی است که برای زوج هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. فقها هم توجه به نیاز زن را لازم می‌دانند. به گفته آیت‌الله مکارم شیرازی،

برخی از آنها این فاصله را به مواردی مربوط می‌دانند که زن به گناه نیفتد و گرنه کاهش فاصله یاد شده لازم است. ایشان همچنین می‌فرماید: «به نظر می‌رسد مستند قرآنی تحدید حق به چهارماه، آیات مربوط به ایلاء باشد که براساس فرهنگ جاهلی، شوهر تحت شرایطی به همبستر نشدن با زن سوگند یاد می‌کرد. اسلام با تحدید اثر آن ایلاء به چهارماه و حکم طلاق پس از آن به استمرار چنین وضعی راضی نشده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲، ص ۱۰۳).

۶. جایگاه نشوز زوج در حقوق خانواده و پیامدهای آن

نشوز زوج در حقوق خانواده جمهوری اسلامی وضعیت روشنی ندارد و در هیچ متن قانونی، واژه نشوز زوج ذکر نشده است. این درحالی است که معلق گذاشتن زوجه و خودداری از طلاق او از طرفی و معاشرت به معروف نداشتن از سوی دیگر، گذشته از ضررهای فردی بر زوجه پیامدهای منفی اجتماعی دارد که می‌تواند به جرائمی مانند خیانت جنسی، ضرب و جرح، قتل، خودکشی و امثال آن بیانجامد. بدین ترتیب، سیاست جنایی نمی‌تواند فارغ از واقعیت‌های عینی و خارجی با ویژگی سنجیدگی و عقلانیت، راهبردهای کلان تقنینی و قضایی را سازماندهی کند. اگر گفته شود در صورت تحقق نشوز زوج، با وجود امکان طلاق قضایی چه نیازی به جرم‌انگاری است پاسخ این است که جرم‌انگاری نشوز در ابتدا جرم مانع تلقی می‌شود و تلاشی است برای حراست از این کانون مقدس. در مرحله بعد، جرم‌انگاری مانند پاسخی به انحرافی است که پاسخ‌های حقوقی قادر به تعدیل آن نیست. (شعربافی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۷۱)

۷. نشوز زوج در رویه قضایی

در مورد نشوز مرد، چهار مصداق در متون فقهی مشخص شده است که عبارتند از: نفقه، قسم، موافقه، حسن معاشرت. در این مورد قانون مشخصی وجود ندارد و تنها در مورد ترک انفاق از طرف مرد، زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و در صورت امتناع مرد از پرداخت، قاضی در قالب ولی ممتنع وی را مطلقه می‌کند. در مورد مسئولیت‌های غیرمالی زوج، هیچ ضمانت

اجرایی در متون حقوقی تعریف نشده و تنها راه زنی که در چنین وضعیتی قرار دارد تمسک به اثبات عسر و حرج خود در دادگاه است. رویه قضایی نیز مؤید همین مطلب است. در پرونده‌هایی که زوجه به دلیل عدم برقراری رابطه جنسی درخواست طلاق داده است ذیل ماده ۱۱۳۰ و با اثبات عسر و حرج خود توانسته است دادگاه را متقاعد به صدور رأی طلاق کند. قاضی نیز با همین مستندات رأی را صادر کرده است. نشوز زوج به تنهایی مسبب صدور رأی طلاق نیست. برای مثال در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۲ برای مردی که زوجه گواهی پزشکی دال بر باکره بودن خود پس از چند سال زندگی مشترک و عدم توانایی زوج در انجام عمل زناشویی را به دادگاه ارائه کرده بود دادگاه تجدیدنظر استان تهران با احراز عسر و حرج زوجه ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی گواهی عدم امکان سازش را صادر کرده است.

به همین ترتیب، شعبه ۱ دیوان عالی کشور نیز در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ باتوجه به نظر داوران که موفق به سازش و اصلاح ذات‌البین نشده‌اند تنفر زوجه از زوج را معمولی و عادی ندانسته و به سبب خوف بسیار زیاد، وقوع فساد و فراهم شدن موجبات عسر و حرج با این حد از کراهت و نفرت، گواهی عدم امکان سازش ذیل ماده ۱۱۳۰ را صادر کرده است. در این پرونده سال‌های اول ازدواج، زوج از ارتباط زناشویی خودداری کرده بود و پس از آن نیز زوجه اقدام به ترک منزل مشترک کرده و پس از ۱۲ سال درخواست طلاق داده بود. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱، قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

تأکید بر جرم‌انگاری نشوز زوج و درنظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری برای موارد غیرمالی نشوز وی از آن روست که در حال حاضر زوجه تنها با اثبات عسر و حرج خود به دادگاه می‌تواند امکان‌هایی از زندگی را که در آن از نظر جنسی در مضیقه است، پیدا کند حال آنکه نشوز زوج براساس قواعد فقهی به تنهایی موجب طلاق زوجه است و لزومی به اثبات عسر و حرج در این زمینه نیست. امری که در محاکم کنونی رعایت نمی‌شود و زن مجبور است عسر و حرج خود را در موردی اثبات کند که به طور عملی، امکان اثبات آن وجود ندارد؛ زیرا زوج در چنین مواردی حاضر به شهادت دادن نیست و برای روابط خصوصی زوجین هم شاهی وجود ندارد.

۸. نشوز زوج در برابر حق جنسی زوجه در لایحه ارتقای امنیت زنان

- حقوقی مانند حق قسم یا بیتوته را که در متون فقهی تأکید شده است به رسمیت می‌شناخت. حق قسم یعنی، زوج موظف است در هر چهارشب دست کم یک شب را با همسر خود هم‌بستر شود. این حق به مجرد ازدواج دائم شروع و هر چهارشب یک بار به طور منظم تکرار می‌شود. به این ترتیب اگر مردی چهار زن داشته باشد همه شب‌هایش در اختیار همسرانش است. آنچه در این حق واجب است خوابیدن در کنار هم در یک‌بستر است و نه آمیزش جنسی؛

- حق موافقه را به رسمیت می‌شناخت؛

- ترک و رعایت نکردن این حقوق را جرم‌انگاری می‌کرد و ضمانت اجرای کیفری برای آن قائل می‌شد؛

- در قالب حقی که در صورت سلب آن به تنهایی موجب طلاق زوجه می‌شود، قرار می‌گرفت. - مقنن با گنجانیدن چنین تدابیری در این لایحه می‌توانست در جلوگیری از بسیاری از آسیب‌های جسمی و روحی به زنان مؤثر باشد.

۹. خیانت زوج به زوجه

خیانت به معنی عدم پایبندی و تعهد به عهد زناشویی و ازدواج است. این مسئله یکی از زیان‌آورترین عمل در روابط زناشویی است. زنان آسیب‌دیده از نظر عاطفی و روحی به شدت دچار آسیب می‌شوند و اعتماد به خود و شریک زندگی خود را از دست می‌دهند.

۱۰. آسیب‌های روانی خیانت بر زوجه

۱۰-۱. شوک

زنانی که دچار خیانت دیدن از سمت همسر خود می‌شوند پس از اطلاع از این مسئله دچار شوک زندگی می‌شوند و مسئله را انکار می‌کنند. این افراد تمام تلاش خود را می‌کنند تا با دلایل زیادی دست به انکار این مسئله بزنند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

۱۰-۲. اضطراب

اضطراب از دیگر آسیب‌هایی است که با خیانت بر زنان فشار وارد می‌کند. زنان بعد از خیانت از نظر روحی و روانی بیشتر آسیب می‌بینند و احتمال بروز رفتارهای ناسالم و مخاطره‌آمیز در آنها بیشتر است. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

۱۰-۳. خشم

وقتی فرد خیانت‌دیده به این باور می‌رسد که همسرش به او خیانت کرده است دچار خشم و عصبانیت می‌شود. در نتیجه با بلند کردن صدای خود یا دعوا و بگومگو سعی می‌کند این خشم را تخلیه کند. برخی از این زنان ممکن است خود را در ایجاد این مسئله مقصر بدانند و به سرزنش خود نیز بپردازند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

۱۰-۴. افسردگی

از دست دادن اعتماد به نفس و ایجاد افسردگی قدم بعدی برای زنانی است که به آنها خیانت می‌شود. این زنان احساس می‌کنند هیچ‌گونه جذابیت و ارزشی ندارند. این علائم به مرور به صورت فیزیکی نیز ظهور می‌کند. فرد خیانت‌دیده ممکن است میل به غذا نداشته باشد و یا آن قدر پرخوری کند که به خودش آسیب بزند. در برخی موارد این زنان آن قدر عاجز و ناتوان می‌شوند که به فکر خودکشی و مرگند. این افراد روابط اجتماعی خود را محدود می‌کنند. اعتماد خود نسبت به سایرین را از دست می‌دهند و ممکن است تا آخر عمر نتوانند به هیچ مردی اعتماد کنند. (بی‌نام، بی‌تا، مرکز مشاوره و روان‌شناختی زرین‌فر)

۱۰-۵. انزوای اجتماعی

زن خیانت‌دیده از روی شرم و احساس گناه از دیگران فاصله می‌گیرد تا مجبور نباشد به سؤالات آنها درباره خیانت شوهرش پاسخ دهد. علاوه بر آن، فشار روانی ناشی از مشکلات متعاقب با خیانت مانند مشکلات کاری، تنش‌های زناشویی و... همگی می‌تواند انرژی زیادی از فرد بگیرد و

فرد را مجبور کند تا از همه فاصله بگیرد و در خلوت خود برای مشکل پیش آمده به دنبال راه حل باشد و یا در غم و افسردگی فرو رود. (بی نام، بی تا، مرکز مشاوره و روان شناختی زرین فر)

۱۱. اشکال خیانت زوج

خیانت به صورت ارتباط مجازی؛ یعنی به صورت ارسال پیام و برقراری رابطه عاطفی. خیانت به صورت داشتن رابطه جنسی.

۱۲. جایگاه خیانت در لایحه ارتقای امنیت زنان در برابر سوءرفتار

در عناوین کیفری عبارتی بانام حکم خیانت مرد به زن نیست، بلکه در حقوق از آن بانام روابط نامشروع یاد می شود و جزای جرم رابطه نامشروع مدنظر است. در قانون، مسئله خیانت زوج به زوجه به طور جداگانه جرم انگاری نشده و فقط خیانت به صورت برقراری رابطه جنسی در زیرمجموعه روابط نامشروع جرم انگاری شده است. صورت دیگر خیانت یعنی، ارتباط مجازی مدنظر مقنن نیست درحالی که خیانت به هردو شکل آن آسیب های روحی و جسمی جدی به زوجه، بنیان خانواده و تربیت فرزندان می زند که این موجب آسیب های غیرقابل جبران به جامعه می شود. در لایحه ارتقای امنیت زنان هم به این سوءرفتار پرداخته نشده است.

۱۳. حبس خانگی زوجه

حبس زن در خانه توسط شوهر یکی از اتفاقاتی است که ممکن است طی اختلافات زن و شوهر و یا براساس اجباری که مرد بر زن دارد، اتفاق بیفتد. مسئله این است که ازدواج چه در قانون و چه در شرع، منافای آزادی و انتخابات فردی نمی شود و هدف ازدواج، زندانی شدن جسم و روح نیست. باوجود الزام داشتن به تمکین زن، هیچگاه اجازه اجبار و زور به مرد داده نشده است و حتی اگر زن تمکین نکند مرد اجازه استفاده از زور را ندارد. براساس همین موضوع می توان حدس زد که حبس زن در خانه توسط شوهر نوعی سوءرفتار است که موجب صدمات روحی و جسمی فراوان به زن می شود.

۱۴. حبس خانگی ازمنظر قرآن

مجازات حبس خانگی زن در قرآن با تحقق شرایط ویژه‌ای بیان شده است، اما فقط برای زنی که عمل منافی عفت انجام می‌دهد که البته آن هم بعدها به وسیله آیات دیگری منسوخ شده است. در قرآن کریم آیه‌ای مبنی بر اینکه زن فاحشه باید مجازات شود و کیفر او حبس و زندانی شدن در خانه است، وجود دارد، اما برخی بر این باورند که این آیه نسخ شده است.

۱۴-۱. کیفر زن فاحشه

حبس ابد در خانه در آغاز اسلام، کیفر زن فاحشه در صورت شهادت شهود است. «والتي ياتين الفحشة من نسائك فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكوهن في البيوت حتى يتوفهن الموت؛ و كسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید. اگر گواهی دادند آنان (زنان) را در خانه‌ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا اینکه خداوند راهی برای آنها قرار دهد». (نساء: ۱۵) وقتی می‌خواهند بگویند: «فلانی فلان عمل را انجام داده» هم می‌گویند: «فلان اتاه» و هم تعبیر می‌کنند «فلان اتی به». کلمه فاحشه از ماده (ف-ح-ش) به معنای طریقه شنیعه است، ولی استعمالش در عمل شنیع زنا شایع شده است. در قرآن کریم در آیه زیر بر لواط و عمل مساحقه یعنی، هم جنس بازی زنان اطلاق شده است. «انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین؛ و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچ کس بدان مبادرت نکرده است، به جا می‌آورید» (اعراف: ۸۰). بیشتر مفسرین گفته‌اند: «مراد از فاحشه در آیه مورد بحث، عمل زناست». مفسرین روایتی هم نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ وقتی آیه تازیانه در اول سوره نور نازل شد، فرمود: «این همان راه علاج و سبیلی است که خدا تعالی در آیه پانزده سوره نساء وعده‌اش را داده است» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۴/۳۶۹).

در این جمله مسئله حبس کردن دائمی زن مورد بحث را مترتب کرده است بر شهادت دادن شهود نه بر اصل وقوع عمل زشت. خلاصه کلام اینکه تنها وقتی حکم حبس ابد از ناحیه حاکم صادر می‌شود که چهار شاهد بر صدور عمل فاحشه از زن شهادت دهند و اگر شهود شهادت ندهند حکم صادر نمی‌شود، هرچند حاکم یقین به صدور آن داشته باشد. این خود یکی از منت‌های خدای سبحان بر امت اسلام است که نسبت به او عفو و اغماض اعمال کرده است. حکم نام‌برده حبس دائمی است به‌قرینه اینکه نهایت مدت حبس را مرگ زن قرار داده است و فرمود: «حتی یتوفاهن الموت؛ تا مرگ، ایشان را دریابد» (نساء: ۱۵). تعبیر حبس ابد آن هم در زندان نیامده است، بلکه فرمود: «آنها را در خانه‌ها نگه بدارید تا مرگشان فرارسد». این نیز دلیل روشنی است بر اینکه خواسته است کار را بر مسلمانان آسان بگیرد و از سخت‌گیری اغماض کند و اینکه فرمود: «تا مرگشان برسد» و «خدا راه نجاتی برایشان مقرر بدارد» منظور نجات از حبس ابد است. در اینکه تردید کرد و فرمود: «یا آن و یا این» اشاره‌ای است به اینکه «امید آن است که حکم حبس ابد نسخ شود» همچنان که همین‌طور هم شد. برای اینکه حکم تازیانه حکم حبس ابد را نسخ کرد و این از ضروریات است که حکم جاری درباره زناکاران در اواخر عمر رسول خدا ﷺ نازل شد و بعد از رحلت آن جناب در بین مسلمانان جاری شد. مسئله زندانی کردن بعد از رحلت آن جناب مورد عمل واقع نشد، پس آیه شریفه به فرضی که دلالت کند بر حکم زنان زناکار هیچ تردیدی نیست در اینکه با این آیه، تازیانه نسخ شده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۴/۳۶۹). آیه مذکور با آیه دیگر نسخ شده است (طبرسی، ۱۳۱۴، ۳/۳۴۸).

۱۴-۳. حبس خانگی از منظر قوانین

در حقوق و قوانین، جرمی بانام جرم حبس خانگی زن نیست، اما حبس زن در خانه توسط شوهر از منظر حقوقی این امکان را در اختیار زن قرار می‌دهد که بتواند بابت عسر و حرج تقاضای طلاق بدهد. از منظر حقوقی، خانواده یک گروه است و هر گروهی برای رسیدن به اهداف



خود نیاز به یک سرگروه دارد. قانون فقط در مفهوم تمکین، مرد را سرگروه خانواده قرار داده است. این بدین معنی نیست که مرد هر کاری که بخواهد می‌تواند در زندگی انجام دهد و زن هیچ حقی ندارد. حبس زن در خانه توسط شوهر یکی از مصادیق آزار جسمی و روحی زن است. در کلام ساده‌تر، هدف از حبس زن در خانه توسط شوهر این است که وی آزار ببیند و براساس این آزار، تغییر رفتاری از خود نشان دهد، اما چیزی نیست که در قانون مورد قبول باشد. بنابراین، زن می‌تواند به واسطه اثبات این مسئله در دادگاه تقاضای طلاق خود را ارائه دهد.

ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی در این مسئله آورده است: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عتفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقد یا از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد». در ماده اشاره شده است: «اگر فردی بدون اجازه قانون در هر پست و مقامی که باشد اقدام به بازداشت و زندانی کردن فرد دیگری کند به یک تا سه سال حبس و یا پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود». به‌طورکلی، در قوانین جرمی بانام حبس خانگی زوجه نیست و در صورت مواجهه شدن با این سوءرفتار برای جدایی باید به موارد عسر و حرج استناد کرد یا برای مجازات زوج به ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی رجوع شود. در لایحه ارتقای امنیت زنان نیز از این سوءرفتار غفلت شده و به‌صورت جداگانه جرم‌انگاری نشده است درحالی‌که این سوءرفتار، آسیب‌های فراوان روحی برای زوجه به‌ارمغان می‌آورد.

۱۵. نتیجه‌گیری

هدف این لایحه، ارتقای امنیت زنان در برابر هرگونه سوءرفتار است. با پرداختن به خلأهایی که در نوشتار حاضر آمد این لایحه می‌تواند به‌گونه‌ای جامع‌تر برای هدف خود که تأمین امنیت زنان است نقش داشته باشد. باتوجه به اینکه حقوق معنوی زوجه که فقدان یا عدم پرداخت کافی به آن در این لایحه به‌چشم می‌خورد پشتوانه خوبی در فقه دارد توجه به این امر و نیازهای امروزی زنان توجه و بازبینی این حقوق در این لایحه را می‌طلبد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. بی‌نا (۱۳۸۱). قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۳۰ قانون مدنی. مشاهده شده در https://rc.majlis.ir/fa/law/search?from_app_date=1381/04/29&to_app_date=1381/04/29
۲. بی‌نا (بی‌تا). مرکز مشاوره فرزین. آسیب‌های روانی خیانت. مشاهده شده در <https://www.zarrinfar.com>
۳. حلی، محمدبن حسن (۱۴۱۳). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۴. داداشی چکان، محمد مهدی، و آشنا، حمید (۱۳۹۷). نشوز زوج، تزلزل در سلامت جنسی زوج و وضعیت فراموش شده در قوانین ایران. نشریه مطالعات حقوق شهروندی، ۱۹(۱)، ۳۹-۵۴.
۵. شریعتی، سعید (۱۳۸۴). حقوق ملت و دولت در قانون اساسی. تهران: کانون اندیشه جوان.
۶. شهربافچی‌زاده، مرضیه (۱۳۸۵). تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی. نشریه علمی-فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۵۰(۱۴)، ۶۷-۹۲.
۷. شهربافچی‌زاده، مرضیه، صادقی فسایی، سهیلا، شاکری گلپایگانی، طوبی، و آذری، هاجر (۱۳۹۸). بررسی نشوز زوج و راهکارهای مواجه با آن. نشریه حقوق تطبیقی معاصر، ۱۹(۱۰)، ۱۸۳-۲۰۲.
۸. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۱۴). مجمع البیان. تهران: انتشارات فرهنگی.
۱۲. طرابلسی ابن براج، ابوالقاسم (۱۴۰۶). المذهب. قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۸۵). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: انتشارات میزان.
۱۵. محسنی، الهه، تک، گولن، سینم، و هلال، غفران (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی خروج زوج از کشور با تأکید بر حقوق کشورهای مسلمان. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱(۱۳)، ۳۵-۵۵.
۱۶. محقق حلی، نجم‌الدین (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۳۲). انوار الفقاهه فب احکام العتره. قم: دارالنشر علی بن ابی طالب (ع).
۱۸. منصور، جهانگیر (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی. تهران: دیدآور.
۱۹. منصور، جهانگیر (۱۴۰۱). قانون مدنی. تهران: دیدآور.
۲۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۲۱. مهرپور، حسین (۱۳۹۵). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۲. مهرپور، حسین (۱۳۹۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۳. میری نام‌نیا، میلاد (۱۳۹۹). مطالع تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر با عمل نسبت آن در قالب قوانین جمهوری اسلامی ایران. نشریه علمی-پژوهشی در هنر و علوم تخصصی، ۵(۵)، ۵۷-۷۰.
۲۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه المدرسین.

۲۵. ندایی، میثم، و سیدبنایی، باقر (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی تبیین نشوز زوجه و نشوز زوج در مبحث حقوقی و

فقهی. نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، ۱(۳)، ۴۲-۶۲.

26. Shelton, D. (2008). *Regional protection of Human Rights*. New York: oxford university press.

